



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

عربی، زبان قرآن (۲) - پایه نهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

محمی‌الدین بهرام محمّدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد
دلیری و فاطمه یوسف‌زاده (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
عادل اشکیوس، علی چراغی، ایاز عیاجی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) -
عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم پینا (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذیحی فرد (طراح جلد
و صفحه‌آرایی) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین چراغی، علیرضا سلیمان، فاطمه پزشکی و
مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۱۶۱۰۹۱۶۸۸۳۱ دورنگار: ۸۸۴۰۹۲۶۶ کد پستی: ۱۵۸۲۷۲۷۲۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص
کرج - خیابان ۶۱ (داروخانه) تلفن: ۰۲۹۹۸۵۱۶۱۵ دورنگار: ۰۲۹۹۸۵۱۶۰
صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهلی‌خاس»

چاپ هشتم ۱۴۰۲

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

عربی، زبان قرآن (۲) - پایه نهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۰۶

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

محمی‌الدین بهرام محمّدیان، حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سیدمحمد
دلیری و فاطمه یوسف‌زاده (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
عادل اشکیوس، علی چراغی، ایاز عیاجی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) -
عادل اشکیوس (سرگروه تألیف) - محمد کاظم پینا (ویراستار)

اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذیحی فرد (طراح جلد
و صفحه‌آرایی) - محمد مهدی ذیحی فرد (طراح جلد) - آزاده امینیان (تصویرگر) - حسین
چراغی، علیرضا سلیمان، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۱۶۱۰۹۱۶۸۸۳۱ دورنگار: ۸۸۴۰۹۲۶۶ کد پستی: ۱۵۸۲۷۲۷۲۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص
کرج - خیابان ۶۱ (داروخانه) تلفن: ۰۲۹۹۸۵۱۶۱۵ دورنگار: ۰۲۹۹۸۵۱۶۰
صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۲۹

شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهلی‌خاس»

چاپ نهم ۱۴۰۴

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۷۶۶-۵

ISBN: 978.964.05.2766.5

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

أَلْفِهْرِسُ

بیش گفتار الف |

أَلْدَرْسُ الْأَوَّلُ | ١ |

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْصِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + جَوَازٌ فِي سَوَاقِ مَشْهُدٍ

أَلْدَرْسُ الثَّانِي | ١٩ |

فِي مَخْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

أَلْدَرْسُ الثَّلَاثُ | ٣٣ |

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النُّكْرَةُ + جَوَازٌ فِي الْمَلَقَبِ الزِّيَادِي

أَلْدَرْسُ الرَّابِعُ | ٤٩ |

آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النُّكْرَةِ

أَلْدَرْسُ الْخَامِسُ | ٦٣ |

الْكَذْبُ مِفْتَاحُ بَئِلٍ شُرٌّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + جَوَازٌ فِي الصِّدْيَاقِيَّةِ

أَلْدَرْسُ السَّادِسُ | ٧٥ |

أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

أَلْدَرْسُ السَّابِعُ | ٨٩ |

تَأْوِيلُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِضَةِ + جِسْوَارٌ مَعَ الطَّبِيبِ

بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

أَلْفِهْرِسُ

بیش گفتار الف |

أَلْدَرْسُ الْأَوَّلُ | ١ |

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ + إِسْمُ التَّفْصِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ + جَوَازٌ فِي السُّوْقِي

أَلْدَرْسُ الثَّانِي | ١٩ |

فِي مَخْضَرِ الْمُعَلِّمِ + أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

أَلْدَرْسُ الثَّلَاثُ | ٣٣ |

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ + الْمَعْرِفَةُ وَ النُّكْرَةُ + جَوَازٌ فِي الْمَلَقَبِ

أَلْدَرْسُ الرَّابِعُ | ٤٩ |

آدَابُ الْكَلَامِ + الْجُمْلَةُ بَعْدَ النُّكْرَةِ

أَلْدَرْسُ الْخَامِسُ | ٦٣ |

الْكَذْبُ مِفْتَاحُ بَئِلٍ شُرٌّ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (١) + جَوَازٌ فِي الصِّدْيَاقِيَّةِ

أَلْدَرْسُ السَّادِسُ | ٧٥ |

أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلُ + تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (٢)

أَلْدَرْسُ السَّابِعُ | ٨٩ |

تَأْوِيلُ اللَّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ + مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِضَةِ + جِسْوَارٌ فِي

الْمَسْجِدِ

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خواننده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات استناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوناه‌ی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

الف

پیش‌گفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

شایسته است که دبیر عربی برای تدریس این کتاب:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا دهم را تدریس، یا به‌دقت مطالعه کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب عربی، زبان قرآن (۲) کتاب مشترک دو رشته علوم تجربی و ریاضی و فیزیک به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه کنیم. رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز پایه یازدهم بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و آیات آسان قرآن، حدیث و نیز ترکیبات و عبارات عربی متون نظم و نثر فارسی را در حد ساختارهای خواننده شده، درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند.

همه کتاب‌های درسی با توجه به مصوبات استناد بالادستی «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند تألیف کتب درسی است. راهنمای برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری عربی نیز نقشه راه تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات کتاب‌های عربی پایه هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته است. در این کتاب، ۲۵۴ کلمه پرکاربرد

به کار رفته و افزون بر آن، از ۱۱۳۴ واژه کتاب‌های عربی پایه هفتم تا دهم بسیاری از آنها نیز در کتاب یازدهم تکرار شده است؛ پس در واقع هدف، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. حدود ۵۵۰ واژه از ۸۱۲ واژه سه کتاب دوره اول متوسطه کاربرد قرآنی داشتند. در دوره دوم متوسطه نیز چنین است.

هدف اصلی، فهم متون عربی به‌ویژه قرآن کریم و نیز فهم متون دینی همانند احادیث، دعاها

الف

مهم‌ترین تأکيدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أخوْتُكَ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت‌خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عده‌های اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون و قایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص إعراب (اصولی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «نَمُّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَخْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذًا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

۵ موضوع متن درس سوم، شکفتنی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سن پر جوش و خروش جوانی دانستن‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست: (معرفه به ال و عَلَم).

۶ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان

و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی، مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است؛ مکالمه بستر مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد؛ ولی هدف اصلی برنامه درسی عربی نیست.

مهم‌ترین تأکيدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أخوْتُكَ الصَّغِيرُ»، هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أخي العزيز» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت‌خوانی.

وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده است).

عده‌های اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های آن) و عده‌های ترتیبی یکم تا بیستم، تشخیص و ترجمه فعل مجهول، نون و قایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه.

تشخیص المحل الإعرابي یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف الیه، جار و مجرور؛ اما تشخیص إعراب (اصولی و فرعی) هدف نیست.

در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست.

دانش‌آموز باید «نَمُّ» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن، درست ترجمه کند: خَرَجْتُمْ، تَخَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اسْتَخْرَجْتُمْ.

در کل کتاب آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان، کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۳ متن درس اول، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیات ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده دوباره تکرار شده است.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلم است. قواعد درباره اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوه ترجمه ادوات شرط «مَنْ، مَا، إِنْ و إِذًا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم جزء اهداف نیست.

۶ موضوع متن درس سوم، شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سن پر جوش و خروش جوانی دانستی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس شود. قواعد درس درباره ترجمه درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنهاست: (معرفه به ال و عَلم).

۷ موضوع متن درس چهارم، آداب سخن گفتن است. آداب سخن گفتن با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. ۸ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغ‌گویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «يَ» و «لَ» و «يَ» و «حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طُرَاحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَأْتِيَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۹ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «أَنْ» و «لَ» و «يَ» و «لَ» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْتَحْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست. متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْمَآرِسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. محمد التّونجي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین الشیبوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار. واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور چفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس. الْمُهْتَدَبُ فِي مَا وَقَّحَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین الشیبوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية. قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ»، «صَارَ»، «كَيْسَ» و «أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۱۰ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب

دین برای دانش‌آموز شرح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانه زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب، برنامه پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیر مستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. ۲ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغ‌گویی است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیر مستقیم استفاده شده، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنْ» و «يَ» و «لَ» و «يَ» و «حَتَّى» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع، از اهداف نیست. لذا از آن سؤال طُرَاحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَأْتِيَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

۳ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. قواعد درس، درباره معانی حروف «أَنْ» و «لَ» و «يَ» و «لَ» است. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْتَحْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل، از اهداف نیست.

۴ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْمَآرِسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. محمد التّونجي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین الشیبوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار. واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور چفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس. الْمُهْتَدَبُ فِي مَا وَقَّحَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین الشیبوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية. قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ»، «صَارَ»، «كَيْسَ» و «أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود.

۵ نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه در این باره لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد.

۶ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طُرَاحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۷ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هُوَ، هُما، هُم، هِيَ، هُما، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ، أَنْتِ».

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

دستی اعراب‌گذاری شده است. تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند.

۹۷ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دورهٔ اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هو، هُمَا، هُم، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتِمْ، أَنْتِ، أَنْتِمْ».

شیوهٔ نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بوده است و دانش‌آموزان درس را بهتر آموخته‌اند.

۹۸ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۹۹ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوهٔ طرح آن، همسراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۰۰ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۰۱ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۰۲ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۰۳ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



طرح‌های کتاب‌درسی

۱۰۴ تبدیل «مذکر به مؤنث»، یا «مخاطب به غیر مخاطب»، یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست.

۱۰۵ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی، معنای کلمه، بیرون از جمله است؛ اما جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی شیوهٔ طرح آن، همسراه با یک نمونه ارائه شده است.

۱۰۶ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال، نمرهٔ شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۱۰۷ در کتاب به اندازه کافی جا برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. تنها متن درس جای کافی برای نوشتن ندارد که با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود.

۱۰۸ کلمات جدیدی که معنای آنها در پاورقی آمده است در آزمون‌ها طرح می‌شوند.

۱۰۹ از همکاران ارجمند خواستاریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند.

برای همهٔ همکاران آرزوی موفقیت داریم.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم؛ می‌توانید از طریق رمزینه سریع پاسخ پیغام بگذارید.



طرح‌های کتاب‌درسی

که را ز شتوبی بودد سرشت
نیز ز طاوس جزبای زشت

(سعدی)



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْخُفَرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

که را ز شتوبی بودد سرشت
نیز ز طاوس جزبای زشت

(سعدی)



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ...﴾ الْخُفَرَات: ١٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ۗ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَٰعْضُكُم بَٰعْضًا ۚ يَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الخبرات: ١٢ و ١١



۱- چه بد است نامیدن [افراد] به کتاه پس از ایمان آوردنشان و کسانی که توبه نکنند، در این صورت آنان ستمگرند.
۲- از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ۗ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَٰعْضُكُم بَٰعْضًا ۚ يَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ الخبرات: ١٢ و ١١



فَدَيُّ بَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلِينَا أَنْ تَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَأَنْ لَا نَذْكَرَ غِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ، فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعَيِّبَ مَا فِيكَ بِمِثْلِهِ».



تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرَيْنَ. وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِألقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

■ الْأَسْتِهْزَاءُ بِالْأَخْرَيْنَ، وَ تَسْمِيَتُهُمْ

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.

■ سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.

■ التَّجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ

النَّاسِ لِقَضَائِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا

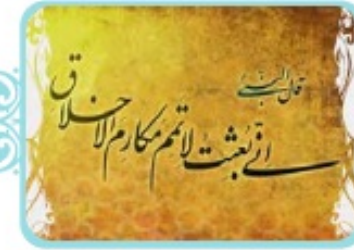
وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

■ وَ الْعَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ

التَّوَالُصِ بَيْنَ النَّاسِ.

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.



قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا.

فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْعَدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْأَخْرَيْنَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.

فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ :

«أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ:

لَا تَعْيَبُوا الْأَخْرَيْنَ. وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ بِألقَابٍ يَكْرَهُونَهَا.

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ وَ لَمْ يَتُبْ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

الْمُعْجَم

إِثْقَنُ	پروا کرد (مضارع: يَثْقِنُ) إِثْقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید	سَخِرَ مِنْ لَا يَسْخَرُ	مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سَخَرْتَهُ) نباید مسخره کند
إِثْمٌ	گناه = ذَنْبٌ	عَابٌ	عیبجویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ)
إِغْتَابٌ	غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند	عَجِبٌ	خودپسندی
أَنْ يَكُنَّ	که باشند (كَانَ، يَكُونُ)	عَسَى	شاید = رُبَّمَا
أَنْ يَكُونُوا	که باشند (كَانَ، يَكُونُ)	فُسُوقٌ	آلوده شدن به گناه
بَغِضٌ ... بَغِضٌ	یکدیگر	قَذٌ	گاهی، شاید (بر سر مضارع) «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.
بِئْسَ	بد است	كِرَّةٌ	ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)
تَابٌ	توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) لَمْ يَتُبْ:	لَحْمٌ	گوشت «جمع: لُحُومٌ»
تَجَسَّسٌ	جاسوسی کرد	لَقَبٌ	لقب داد (مضارع: يَلْقُبُ)
تَنَابُرٌ بِاللِّقَابِ	به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَرُ، يَتَنَابَرُ)	لَمَزٌ	عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)
تَوَابٌ	بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده	مَيِّتٌ	مُرده = مَيِّتٌ «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» ≠ حَيٌّ
خَفِيٌّ	پنهان ≠ ظاهر		

عَسَى: شاید = رُبَّمَا	تَسْمِيَةٌ: نام دادن، نامیدن	إِثْقَنُ: پروا کرد (مضارع: يَثْقِنُ)
فُسُوقٌ: آلوده شدن به گناه	(سَمَنَ / يَسْمِنُ)	إِثْقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید
فَضَحٌ: رسوا کردن	تَنَابُرٌ بِاللِّقَابِ: به یکدیگر لقب‌های زشت دادن (تَنَابَرُ، يَتَنَابَرُ)	إِثْمٌ: گناه = ذَنْبٌ
قَدْ: گاهی، شاید (بر سر مضارع)	تَوَابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده	إِسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ: ریشخند کردن
«قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.	تَوَاضَلُ: ارتباط (تَوَاضَلُ، يَتَوَاضَلُ)	(إِسْتَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ)
گنجاننده	حَرَمٌ: حرام کرد (مضارع: يَحْرِمُ)	إِغْتَابٌ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ)
گنجاننده	خَفِيٌّ: پنهان ≠ ظاهر	لَا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند
گره: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ)	سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد	أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)
لحم: گوشت «جمع: لُحُومٌ»	(مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سَخَرْتَهُ)	أَنْ يَكُونُوا: که باشند (كَانَ، يَكُونُ)
لقب: لقب داد (مضارع: يَلْقُبُ)	لَا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند	بَغِضٌ ... بَغِضٌ: یکدیگر
لمز: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ)	عَابٌ: عیبجویی کرد، عیب‌دار کرد	بِئْسَ: بد است
میت: مُسَرده = مَيِّتٌ	(مضارع: يَعِيبُ)	تَابٌ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ)
«جمع: أَمْوات، مَوْتَى» = حَيٌّ	عَجِبٌ: خودپسندی	لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد
		تَجَسَّسٌ: جاسوسی کرد
		(مضارع: يَتَجَسَّسُ)

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- سَمَنَ بَعْضُ الْمُقْسِرِينَ سُورَةَ الْخُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ.
- حَرَمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ.
- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَحَاكَ وَ أَحْتَكِ بِمَا يَكْرَهُانِ.
- إِنَّ اللَّهَ يُنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.
- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ **أَكْبَرُ**: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین **حَسَنٌ**: خوب **أَحْسَنُ**: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا **أَكْبَرُ مِنْ أوروپَا**. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا **أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ**. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا **أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ**. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تُعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. إِيْمَانٌ عَلَيَّ ﷺ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

إِعْلَمُوا

إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ

■ اسم تفضیل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضیل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ **أَكْبَرُ**: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین **حَسَنٌ**: خوب **أَحْسَنُ**: خوب‌تر، خوب‌ترین

آسیا **أَكْبَرُ مِنْ أوروپَا**. آسیا بزرگ‌تر از اروپاست.

آسیا **أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ**. آسیا بزرگ‌ترین قاره‌های جهان است.

آسیا **أَكْبَرُ قَارَةَ فِي الْعَالَمِ**. آسیا بزرگ‌ترین قاره در جهان است.



جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا. کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جَبَلِ فِي إِيْرَانِ. کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.



■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصَّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زینب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ...)، معنای «برتر»

دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

■ گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کمتر، کمترین

■ مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصَّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می‌آید؛

مثال: فاطمه أَكْبَرُ مِنْ زینب.



■ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است؛ مثال:

إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جَمْعُ أَرْدَلٍ وَ أَفَاضِلُ جَمْعُ أَفْضَلٍ اسْت).

■ هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ...)، معنای «برتر» دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ حَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سئِلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السُّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورت «مضاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الإمام الهادي عليه السلام

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أمير المؤمنين عليه السلام

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أمير المؤمنين عليه السلام

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- سئِلُ: از ... پرسیده شد ۲- الرَّجُلُ: انسان، مرد ۳- السُّكِينَةُ: آرامش ۴- حَيٌّ: بشتاب

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ صَعِّ حَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ.

۱ سئِلُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَحَبَّ النَّاسَ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.

۲ أَحْسَنُ زِينَةِ الرَّجُلِ السُّكِينَةُ مَعَ إِيمَانٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكُسْبُ مِنَ الْحَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ دو کلمه «خَيْر» و «شَر» علاوه بر اینکه به معنای «خوبی» و «بدی» هستند، می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند؛ در این صورت، معمولاً بعد از آن حرف جرّ «مِنْ» است، یا به صورت «مضاف» می‌آید؛ مثال:

۱ خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ أَجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ. الإمام الهادي عليه السلام

بهتر از خوبی انجام دهنده‌اش است و زیباتر از زیبا گوینده‌اش می‌باشد.

۲ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أمير المؤمنين عليه السلام

بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

۳ خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أمير المؤمنين عليه السلام

بهترین کارها میانه‌ترین آنهاست.

۴ حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.

به سوی بهترین کار بشتاب.

۱- سئِلُ: از ... پرسیده شد ۲- الرَّجُلُ: انسان، مرد ۳- السُّكِينَةُ: آرامش ۴- حَيٌّ: بشتاب

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

١ «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رسول الله ﷺ

٣ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» القدر: ٣



٤ مَنْ عَلِمَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ قَسْرٌ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

٥ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

١- أهدي: هدیه کرد ٢- غلبت: چیره شد

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

١ «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» المؤمنون: ١٠٩

٢ خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رسول الله ﷺ

٣ شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

٤ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» القدر: ٣



١- أهدي: هدیه کرد

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه

مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

■ اسم مکان بر مکان دلالت دارد و بیشتر بر وزن **مَفْعَل** و گاهی بر وزن **مَفْعِل** و **مَفْعَلَة** است؛ مثال:

مَلْعَب: ورزشگاه مَطْعَم: رستوران مَصْنَع: کارخانه مَطْبَخ: آشپزخانه

مَوْقِف: ایستگاه مَنْزِل: خانه مَكْتَبَة: کتابخانه مَطْبَعَة: چاپخانه

■ جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» است؛ مانند: مَدَارِس، مَلَاعِب، مَطَاعِم و مَنَازِل.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...»

الخل: ۱۲۵

۲ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْسَرُ» الأغل: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةٌ «جُنْدِي سَابور» فِي خوزستان أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۱- جادل: بحث کن ۲- صل: همراه شد

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

۱ «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...»

الخل: ۱۲۵

۲ «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْسَرُ» الأغل: ۱۷

۳ كَانَتْ مَكْتَبَةٌ «جُنْدِي سَابور» فِي خوزستان أَكْبَرَ مَكْتَبَةٍ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.



۱- جادل: بحث کن ۲- صل: همراه شد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في سوقٍ مشهَد)

بائع المَلايس	الزائرة العريئة
عَلَيْكُمْ السَّلَام، مَرَحَباً بِكَ.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.
سِتُونَ أَلْفَ تومان.	كَمْ يَبِعُ هَذَا القَميصَ الرُّجالي؟
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تومان. تَقْضِي أَنْظري.	أريدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الأَسعارُ غاليَةٌ.
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَرْزُقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ.	أَيُّ لُونٍ عِنْدَكُمْ؟
تَبْدَأُ الأَسعارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إلى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تومان.	بِكَمْ تومان هَذِهِ الفِساتين؟
سَيَبْدَأُ، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.	الأَسعارُ غاليَةٌ!
السُّرُوالُ الرُّجاليُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تومان، وَ السُّرُوالُ النِّسائيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومان.	بِكَمْ تومان هَذِهِ السُّرُاويلُ؟
ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَميلي، لَهُ سُرُاويلُ أَفْضَلُ.	أريدُ سُرُاويلَ أَفْضَلُ مِنْ هَذِهِ.

١- بغير: قیمت «جمع: أَسعار» ٢- نوعیة: جنس ٣- متَجَرٌّ: مغازه ٤- زميل: همکار

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في السُّوقِ)

بائع المَلايس	الزائرة
وَ عَلَيْكُمْ السَّلَام، مَرَحَباً بِكَ.	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ.
سِتُونَ أَلْفَ دينار.	كَمْ يَبِعُ هَذَا القَميصَ؟
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ دينار. تَقْضِي.	أريدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الأَسعارُ غاليَةٌ.
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَرْزُقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ.	أَيُّ لُونٍ عِنْدَكُمْ؟
تَبْدَأُ الأَسعارُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفاً إلى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ دينار.	بِكَمْ يَبِعُ هَذِهِ الفِساتين؟
أُخْتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النُّوعِيَّاتِ.	الأَسعارُ غاليَةٌ!

١- بغير: قیمت «جمع: أَسعار» ٢- نوعیة: جنس

في متجر زميله ...

صار المبلغ مئتين وثلاثين ألف تومان.
أعطيني بعد التخفيض مئتين وعشرين ألفاً.

رجاء، أعطني سروالاً من هذا النوع و ...
كم صار المبلغ؟



١- تخفيض، تخفيف

صار المبلغ مئتين وثلاثين ألف دينار.
إدفعي بعد التخفيض مئتين وعشرين ألفاً.

رجاء، أعطيني قميصاً من هذا النوع و ...
كم أدفع؟



٢- تخفيض، تخفيف

١- دفع، پرداخت کرد (مضارع: يدفع = پرداخت می‌کند)

التمارين

التمرين الأول: أي كلمة من كلمات معجم الدرس تُناسب التوضيحات التالية؟

- ١- جعله حراماً:
- ٢- الذي ليس حياً:
- ٣- الذنوب الكبيرة:
- ٤- الذي يقبل التوبة عن عباده:
- ٥- تسميته الآخرين بالأسماء القبيحة:
- ٦- ذكر ما لا يرضى به الآخرون في غيابهم:

التمرين الثاني: ترجم هذه الأحاديث النبوية، ثم عيّن المطلوب منك.

- ١- حُسْنُ الْخُلُقِ يَصِفُ الدِّينَ. (المُهَيَّبُ وَالْمُهَيَّبَةُ)
- ٢- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
- ٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَالْفِعْلُ الْأَمْرُ)
- ٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَائِزُ وَالْمَجْرُورُ)

١- ساء: بد شد ٢- عذب: عذاب داد ٣- حسنت: نيكو گردانیدی ٤- ميزان: ترازو (ترازوی اعمال)

التمارين

التمرين الأول: ترجم هذه الأحاديث النبوية، ثم عيّن المطلوب منك.

- ١- حُسْنُ الْخُلُقِ يَصِفُ الدِّينَ. (المُهَيَّبُ وَالْمُهَيَّبَةُ)
- ٢- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
- ٣- اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خُلُقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَالْفِعْلُ الْأَمْرُ)
- ٤- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَائِزُ وَالْمَجْرُورُ)



١- ساء: بد شد ٢- عذب: عذاب داد ٣- حسنت: نيكو گردانیدی ٤- ميزان: ترازو (ترازوی اعمال)

التمرینُ الثانی: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ الثَّانِيَةَ.

المضدِر	الأمرُ وَ النهي	المضارعُ وَ المُستقبلُ	الماضي
إحسان: نیکی کردن	أحسِن:	يُحسِن: نیکی می کند	قد أحسَن:
إقتِراب: نزدیک شدن	لا تَقْتَرِبوا:	يَقْتَرِبونَ:	إقتَرَبَ: نزدیک شد
إنكسار: شکسته شدن	لا تَنكسِرْ: شکسته نشو	سَيَنكسِرُ:	إنكسَرَ:
إستغفار:	إستغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ:	إستغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسافَرة: سفر کردن	لا تُسافِرْ:	لا يُسافِرُ:	ما سافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلَّمَ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ:	يَتَعَلَّمانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ:
تَبَادُل: عوض کردن	لا تَتَبَادَلوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلونَ:	تَبَادَلْتُمْ:
تَعَلِيم: آموزش دادن	عَلِّمْ:	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	قد عَلَّمَ: آموزش داده است

التمرینُ الثانی: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَ الْمَصَادِرَ الثَّانِيَةَ.

المضدِر	الأمرُ وَ النهي	المضارعُ وَ المُستقبلُ	الماضي
إحسان: نیکی کردن	أحسِن:	يُحسِن: نیکی می کند	قد أحسَن:
إقتِراب: نزدیک شدن	لا تَقْتَرِبوا:	يَقْتَرِبونَ:	إقتَرَبَ: نزدیک شد
إنهزام: شکست خوردن	لا تَهْزِمْ: شکست نخور	سَيَهْزِمُ:	إنهزَمَ:
إستغفار:	إستغْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَغْفِرُ:	إستغْفَرَ: آمرزش خواست
مُسافَرة: سفر کردن	لا تُسافِرْ:	لا يُسافِرُ:	ما سافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلَّمَ: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ:	يَتَعَلَّمانِ: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ:
تَبَادُل: عوض کردن	لا تَتَبَادَلوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلونَ:	تَبَادَلْتُمْ:
تَعَلِيم: آموزش دادن	عَلِّمْ:	سَوْفَ يُعَلِّمُ:	قد عَلَّمَ: آموزش داده است

التمرين الرابع: أكتب العمليات الحسابية التالية كأمثال:

- ١- عشرة زائد أربعة يساوي عشرة. $10+4=14$
- ٢- مئة تقسيم على اثنين يساوي خمسين.
- ٣- ثمانين في ثلاثة يساوي أربعة وعشرين.
- ٤- ستة وسبعون ناقص أحد عشر يساوي خمسة وستين.

التمرين الخامس: عيّن المحل الإعرابي للكلمات الملوّنة.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦
- ٣- أَلَسْكَوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رسول الله ﷺ
- ٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رسول الله ﷺ
- ٥- عِدَاؤُهُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

التمرين الثالث: أكتب العمليات الحسابية التالية كأمثال:

- ١- عشرة زائد أربعة يساوي عشرة. $10+4=14$
- ٢- مئة تقسيم على اثنين يساوي خمسين.
- ٣- ثمانين في ثلاثة يساوي أربعة وعشرين.
- ٤- ستة وسبعون ناقص أحد عشر يساوي خمسة وستين.

التمرين الرابع: ترجم العبارات ثم عيّن المحل الإعرابي للكلمات الملوّنة.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦
- ٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦
- ٣- أَلَسْكَوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رسول الله ﷺ
- ٤- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رسول الله ﷺ
- ٥- عِدَاؤُهُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

التمرين السادس: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجُمَلِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: المفعول: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾: المائدة: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ يَعْتَنَّا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: يس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا عَقَّارَ الدُّنُوبِ:

التمرين الخامس: تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَالْجُمَلِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَاسْمَ الْمَفْعُولِ، وَاسْمَ الْمُبَالِغَةِ، وَاسْمَ الْمَكَانِ، وَاسْمَ التَّفْضِيلِ.

١- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: المفعول: ٢٨

٢- ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ﴾: المائدة: ١٠٩

٣- ﴿... مَنْ يَعْتَنَّا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ﴾: يس: ٥٢

٤- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:

٥- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:

٦- يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ:

٧- يَا عَقَّارَ الدُّنُوبِ:

التمرين السابع: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صباح مساء لَيْل مَيّت
- ٢- عَجِبَ لَحِمَ فُسُوقَ إِثْمَ
- ٣- كِبَائِرَ نِسَاءَ رِجَالَ أَوْلَادَ
- ٤- سَجَرَ عَابَ سَاعَدَ نَمَرَ
- ٥- أَحْمَرَ أَحْسَنَ أَجْمَلَ أَصْلَحَ
- ٦- أَصْفَرَ أَرْزَقَ أَيْبَضَ أَكْثَرَ

التمرين الثامن: ضَعِي فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اشْتَرَيْنَا وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي الْمَتْجَرِ.
- سراويل أشهراً مَوَاقِفَ
- ٢- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَعَذَّرَ إِلَيْهِمْ.
- إِغْتَابَ إِتَّقَى مَدَحَ
- ٣- خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِضٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي
- إِثْنِينَ وَ أَرْبَعِينَ إِثْنِينَ وَ سَبْعِينَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرِينَ
- ٤- أَرَادَ الْمُشْتَرِي السَّعْرِ.
- نَوْعِيَّةً مَتْجَرًا تَخْفِيفَ

التمرين السادس: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

- ١- صباح مساء لَيْل مَيّت
- ٢- عَجِبَ لَحِمَ فُسُوقَ إِثْمَ
- ٣- سَجَرَ عَابَ سَاعَدَ نَمَرَ
- ٤- أَحْمَرَ أَحْسَنَ أَجْمَلَ أَصْلَحَ
- ٥- أَصْفَرَ أَرْزَقَ أَيْبَضَ أَكْثَرَ

التمرين السابع: ضَعِي فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- اشْتَرَيْنَا وَ قَسَاتَيْنِ بِأَسْعَارٍ رَخِيصَةٍ فِي السُّوقِ.
- سراويل أشهراً مَوَاقِفَ
- ٢- مَنْ الْمُؤْمِنِينَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَعَذَّرَ إِلَيْهِمْ.
- إِغْتَابَ إِتَّقَى مَدَحَ
- ٣- خَمْسَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِضٌ ثَلَاثَةٌ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي
- إِثْنِينَ وَ أَرْبَعِينَ إِثْنِينَ وَ سَبْعِينَ أَرْبَعَةٌ وَ عِشْرِينَ
- ٤- أَرَادَ الرَّائِي السَّعْرِ.
- نَوْعِيَّةً مِيزَانَ تَخْفِيفَ

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَبِيحُ النَّبَاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِسَمْتِكَ، وَأَيَقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ الثَّكَالِ وَالنَّقَمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ.

خدایا، من با سپاسگزاری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کفر و انتقام، سخت‌ترین کفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اللَّهُمَّ أذْنْتُ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمِعْ يَا سَمِيعَ مِذْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمَ دَعْوَتِي، وَأَقْبَلْ يَا عَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكَسِمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَنْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَخَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره کشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را کشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَآمِينَكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبْلِغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْكَأَ وَأَسْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بنده‌ات، فرستاده‌ات، امانتدارت، برگزیده‌ات، یارت، بهترین آفریده‌ات، نگاهدار رازت، رساننده پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.

(لِلْمُتَمَرِّينَ فِي الْمَنْزِلِ) إِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ.

- ۱- مَكَانٌ كَثِيرٌ تُنْضَعُ فِيهِ الْأَشْيَاءُ بِوِاسِطَةِ الْأَلَاتِ وَالْعَمَالِ. مَصْنَع صِنَاعَةٌ
- ۲- اِعْتِقَادٌ غَيْرٌ مُؤَكَّدٌ عَنْ شَيْءٍ مَا بَيْنَ الشَّكِّ وَالْيَقِينِ. تَنَابُزٌ ظَنٌّ
- ۳- الْكِرَاهَةُ وَالْحُصُومَةُ بَيْنَ شَخْصَيْنِ أَوْ جَمَاعَتَيْنِ. عَدَاوَةٌ أَعْدَاءٌ
- ۴- الْقِيَمَةُ النَّقْدِيَّةُ الَّتِي تُدْفَعُ مُقَابِلَ شَيْءٍ. رَخِيسٌ سِعْرٌ
- ۵- الْخُرُوجُ عَنْ أَمْرِ اللَّهِ وَالْقَوَائِنِ الشَّرْعِيَّةِ. سَكِينَةٌ فُسُوقٌ
- ۶- مَكَانٌ لِيَلْعَبَ وَ لِلرِّيَاضَةِ مِثْلُ كُرَّةِ الْقَدَمِ. لَاعِبٌ مَلْعَبٌ
- ۷- عِشْرُونَ نَاقِضٌ أَحَدُ عَشَرَ يُسَاوِي سَبْعَةٌ تِسْعَةٌ
- ۸- مَا هُوَ وَزْنُ الْجَمْعِ لِلِاسْمِ الْمَكَانِ؟ مَفَاعِلٌ أَفَاعِلٌ
- ۹- ثَمَانِيَّةٌ فِي الثَّنِينَ يُسَاوِي سِتَّةٌ عَشَرَ عَشْرَةٌ
- ۱۰- الشَّخْصُ الَّذِي أُرْسِلَ فِي مَهْمَةٍ. مُرْسَلٌ مُرْسِلٌ
- ۱۱- كَلِمَةٌ مَفْرُودٌ مِنْ غَيْرِ لَفْظِهِ. رِجَالٌ نِسَاءٌ
- ۱۲- لَوْنُ السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ وَالْبَحْرِ. أَرْزَقٌ أَصْفَرٌ
- ۱۳- تَقْلِيلُ سِعْرِ شَيْءٍ فِي الْبَيْعِ. تَخْفِيفٌ شِرَاءٌ
- ۱۴- أَدَاةٌ لِمَعْرِفَةِ وَزْنِ الْأَشْيَاءِ. مِيزَانٌ أَثْقَلٌ
- ۱۵- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْمَفْعُولِ؟ مُحْسِنٌ مَحْمُودٌ
- ۱۶- مُتَرَادِفٌ لِكَلِمَةِ «ذَنْبٌ»؟ ذَنْبٌ إِثْمٌ
- ۱۷- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْمُبَالِغَةِ؟ جُهَالٌ غَفَارٌ
- ۱۸- طَلَبُ الْمَغْفِرَةِ مِنَ اللَّهِ. غَفَارٌ اسْتِغْفَارٌ
- ۱۹- أَيُّ كَلِمَةٍ اسْمُ الْفَاعِلِ؟ رَاجِمٌ أَرْحَمٌ
- ۲۰- مَا هُوَ جَمْعُ «أَكْبَرٌ»؟ كِبَائِرٌ أَكْبَرٌ



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٌ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَجِيبُ الْمَنَاءَ بِحَنَدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَّقُنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ الثَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبَّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظْمَةِ.

خدایا، من با سپاسگراری از تو ستایشت را آغاز می‌کنم و تو با مهرورزیات رهنمون به راه درست هستی. باور کردم که تو در جایگاه گذشت و مهربانی مهربان‌ترین مهربانانی و در جایگاه کیفر و انتقام، سخت‌ترین کیفر دهندگانی و در جایگاه بزرگ‌منشی و بزرگواری، بزرگ‌ترین نیرومندانی.

اللَّهُمَّ أَذْنْتُ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْأَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعٌ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمٌ دَعْوَتِي، وَأَقِلْ يَا غَفُورٌ عَثْرَتِي، فَكُنْ يَا إِلَهِي مِنْ كَرِيَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا، وَخَلْقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا!

خدایا، در فراخواندنت و در درخواست از خودت به من اجازه دادی، پس ای شنوا ستایشم را بشنو و ای مهربان دعایم را برآورده کن و ای آمرزنده از لغزشم در گذر، ای خدای من، چه بسیار اندوه‌هایی که از آن گره گشودی و غم‌هایی که از من برداشتی و لغزشی که از آن در گذشتی و چه بسیار مهربانی که آن را گستردی و زنجیر بلایی که آن را گشودی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَحَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَرْزُقِي وَأَنْسِي وَأَطِيبِ وَأَطْهَرِ وَأَسْنِي وَأَكْفَرَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَيَّ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

خدایا، درود بفرست بر محمد: بندهات، فرستادهات، امانتدارت، برگزیدهات، پارت، بهترین آفریدهات، نگاهدار رازت، رسانندهٔ پیام‌هایت. [درودی که] برترین، بهترین، زیباترین، کامل‌ترین، پاک‌ترین، بالنده‌ترین، خوب‌ترین، پاکیزه‌ترین، بلندترین و بیشترین درودی باشد که فرستاده‌ای و برکت داده‌ای و مهربانی کرده‌ای و مهر ورزیده‌ای و سلام داده‌ای بر یکی از بندگان و پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان و اهل بخشش از آفریدگانت.



الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

العلق: ٤ و ٣

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.



الدَّرْسُ الثَّانِي



﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

العلق: ٤ و ٣

بخوان که پروردگارت گرامی‌ترین است، همو که با قلم یاد داد.

الدَّرْسُ الثَّانِي

في مَحَضَرِ الْمُعَلِّمِ

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبْرَةِ؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْنَتًا؛ وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ؛ فَتَصَحَّحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتُسِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ عَلَى سُلُوكِهِ.



الدَّرْسُ الثَّانِي

في آدَابِ الصَّفِّ

كَانَ الطَّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ، وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يُؤَدِّي الطَّلَابُ بِسُلُوكِهِ، يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَمْرُخُ مَعَ الْآخَرِينَ؛ فَتَصَحَّحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتُسِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَّ فِي سُلُوكِهِ. فَكَّرَ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي آدَابِ الصَّفِّ»؛ قَالَ لَهُ الْمُعَلِّمُ: عَلَيْكَ أَنْ تُطَالَعَ الْكُتُبَ الرَّبَوِيَّةَ وَ آدَابَ التَّعْلِيمِ وَ التَّلَعُّمِ. وَ هَذَا مَا كَتَبَهُ مِهْرَانُ حَوْلَ «آدَابِ الصَّفِّ».



... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّالِبِ آدَابٌ عَلَيْهِ أَنْ يَلْتَزِمَ بِهَا؛ أَهْمُهَا:

١ أَنْ يَحْتَرِمَ الأَخْرَيْنِ.

٢ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ المُعَلِّمِ.

٣ الِاجْتِنَابَ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلأَدَبِ.

٤ أَنْ لَا يَتَهَرَّبَ مِنْ أَدَاءِ الوَاجِبَاتِ المَدْرَسِيَّةِ.

٥ أَنْ لَا يُزَعِّجَ الأَخْرَيْنَ بِكَلَامِهِ وَ سُلُوكِهِ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَ الأَخْرَيْنِ، وَ لَا يَسْبِقُهُم بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغُوا مِنَ الكَلَامِ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ المُشَاعِبُ إِنشَاءَ مَهْرَانِ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ المِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ المُعَلِّمِ:

فَمُ بِالْمُعَلِّمِ وَفِيهِ الشَّجِيلَا

كَذَا المُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولَا

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَ مِنَ الَّذِي

يُنْبِي وَ يَنْشِي أَنْفُسَا وَ عُقُولَا

فَكَرَّ مَهْرَانٌ حَوْلَ هَذِهِ المُشْكِلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الأَدَبِ الفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ القُضِيَّةَ وَ قَالَ: أَحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِنشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ المُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ المُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ: إِنَّ طَّلَاعَ كِتَابِ «مُتَبَيِّةِ المُرِيدِ» لِرَبِّينِ الذِّينِ العَامِلِي «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنشَائِكَ؛ ثُمَّ كَتَبَ مَهْرَانٌ إِنشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ المُعَلِّمُ لَهُ: إِنَّ تَقْرَأَ إِنشَاءَكَ أَمَامَ الطُّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهَ زَمِيلُكَ المُشَاعِبُ. وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنشَائِهِ:

... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ الأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّالِبِ فِي مَحْضَرِ المُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا:

١ أَنْ لَا يَعْصِيَ أَوْامِرَ المُعَلِّمِ.

٢ الِاجْتِنَابَ عَنِ كَلَامٍ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلأَدَبِ.

٣ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ أَدَاءِ الوَاجِبَاتِ المَدْرَسِيَّةِ.

٤ عَدَمَ النُّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ المُعَلِّمُ.

٥ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطُّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ المُعَلِّمُ.

٦ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنَ الكَلَامِ.

٧ الجُلُوسَ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الِاسْتِجَاعَ إِلَيْهِ بِدِقَّةٍ وَ عَدَمَ الِالْتِفَاتِ إِلَى الوَرَاءِ إِلا لِضُرُورَةٍ.

لَمَّا سَمِعَ الطَّالِبُ الْمُشَاغِبُ إِشَاءَ مَهْرَانَ، حَجَلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الضَّفِّ.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدُ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

كَأَنَّ الْمُعَلِّمَ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

فَمَنْ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفِهِ التَّجْبِيلًا

يَنْبِي وَ يُنْشِئُ أَنْفُسًا وَ عُقُولًا

أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَحْلَ مِنْ الَّذِي

عَلَّمَ الْأَحْيَاءَ : زیست شناسی

فَكَّرَ : اندیشید (مضارع: يَفَكِّرُ)

فَمَّ : برخیز ← (فام، يَقومُ)

كَادَ : نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)

مَجَالَ : زمینه

مُشَاغِبَ : شلوغ کننده و اخلاکگر

وَأَفَقَ : موافقت کرد (مضارع: يُوَأَفِقُ)

وَقَفَى : کامل کرد (مضارع: يُوقِي)

«وَقْفِهِ التَّجْبِيلَ»: احترامش را کامل به جا

بیاور.»

هَمَسَ : آهسته سخن گفت

(مضارع: يُهَمِسُ)

تَعَلَّتْ فِي السُّؤَالِ : پرسیدن به

مَنْظُورٌ بِه سَخِي وَ لَغْزَشِ اِنْدَاخْتِ

تَبَّهَ : آگاه شد

(مضارع: يَتَبَّهُ) = اِنْتَبَهَ

حِصَّةٌ : زنگ درسی، قسمت

حَجَلَ : شرمند شد (مضارع: يَحْجَلُ)

سَبَقَ : پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)

سَبْرَةٌ : تخته سیاه

سُلُوكٌ : رفتار

فَسَّرَ : زیان رساند (مضارع: يَفْسِرُ)

عَصَى : سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)

أَجَلَ : گران قدرتر

إِرْتَبَطَ : ارتباط داشت (مضارع: يَرْتَبِطُ)

إِسْتَمَعَ : گوش فرا داد (مضارع: يَسْتَمِعُ)

إِلْتَزَمَ : پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)

إِلْتِفَاتٌ : روی برگرداندن

إِلْتِفَاتٌ : روی برگرداند

(مضارع: يَلْتَفِتُ)

أَلْفٌ : نکاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)

أَنْشَأَ : ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)

تَارَةً : یک بار = مَرَّةٌ

تَجْبِيلٌ : بزرگداشت

أَلْمُعْجَم

قرار کرد	تَهَبَّ	گران قدرتر	أَجَلَ
شرمنده شد (مضارع: يَحْجَلُ)	حَجَلَ	اذیت کرد (مضارع: يُؤْذِي)	أَذَى
پیشی گرفت (مضارع: يَسْبِقُ)	سَبَقَ	آزار داد (مضارع: يُزْعِجُ)	أَزْعَجَ
رفتار	سُلُوكٌ	آزار رساندن	إِزْعَاجٌ
سرپیچی کرد (مضارع: يَعْصِي)	عَصَى	گوش فرا داد (مضارع: يَسْتَمِعُ)	إِسْتَمَعَ
اندیشید (مضارع: يَفَكِّرُ)	فَكَّرَ	پایبند شد (مضارع: يَلْتَزِمُ)	إِلْتَزَمَ
برخیز ← (فام، يَقومُ)	فَمَّ	روی برگرداندن	إِلْتِفَاتٌ
نزدیک بود که (مضارع: يَكَادُ)	كَادَ	روی برگرداند (مضارع: يَلْتَفِتُ)	إِلْتَفِتَ
زمینه	مَجَالَ	نکاشت (مضارع: يُؤَلِّفُ)	أَلْفٌ
شلوغ کننده و اخلاکگر	مُشَاغِبٌ	کتابهای تربیتی	الْکُتُبُ التَّرْبَوِيَّةُ
کامل کرد (مضارع: يُوقِي)	وَقَفَى	ساخت (مضارع: يُنْشِئُ)	أَنْشَأَ
«وَقْفِهِ التَّجْبِيلَ»: احترامش را کامل به جا بیاور.»		یک بار = مَرَّةٌ	تَارَةً
آهسته سخن گفت (مضارع: يُهَمِسُ)		بزرگداشت	تَجْبِيلٌ

أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إلى مَنْ دَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟

٣- كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَقِيهِ إِلَى الْوَرَاءِ؟

٤- مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟

٥- فِي أَيِّ جِزْءٍ كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسَاتِذِ الْكِيمِيَاءِ؟



أَكْتُبْ جَوَاباً قَصِيراً، حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- إلى مَنْ دَهَبَ مِهْرَانُ؟

٢- مَتَى حَاجَلَ الطَّالِبُ وَ تَدِيمَ؟

٣- كَيْفَ يُؤْذِي الطَّالِبُ الْآخَرِينَ؟

٤- مَا هُوَ مَوْضِعُ الْكُتُبِ الَّتِي قَرَأَهَا مِهْرَانُ؟

٥- فِي أَيِّ صَفِّ حَدَّثَتْ هَذِهِ الْقِصَّةُ؟



اعلموا

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و اِنْ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

اِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخِرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ ^۲ «الطلاق: ۲»

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم. مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.



۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «اِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایهٔ نهم در فعل نمی‌آشنا شده بودید. این کلمات، نشانهٔ انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفَعَّلَ، أَفْعَلُ و لَفَعَلَ» را تغییر می‌دهند. «... يَفْعَلُ ... تَفَعَّلَ ... أَفْعَلُ و ... لَفَعَلَ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفَعَّلُونَ، تَفَعَّلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفَعَّلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- حَسْبُ: بس، کافی

اعلموا

أُسْلُوبُ الشَّرْطِ وَ أَدَوَاتُهُ

■ مهم‌ترین ادوات شرط عبارت‌اند از: «مَنْ، ما و اِنْ». معمولاً این ادوات بر سر عبارتی می‌آیند که دو فعل دارد، فعل اول، فعل شرط و فعل دوم، جواب شرط نام دارد. این ادوات در معنای فعل و جواب شرط تغییراتی را ایجاد می‌کنند؛ مثال:

مَنْ يُفَكِّرْ قَبْلَ الْكَلَامِ، يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا غَالِباً.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

اِنْ تَحْتَرِمُوا الْآخِرِينَ، تَكْتَسِبُوا حُبَّهُمْ.

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

■ گاهی نیز جواب شرط به صورت جمله اسمیه است؛ مثال:

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ ^۲ «الطلاق: ۲»

ادوات شرط فعل شرط جواب شرط

■ وقتی ادوات شرط بر سر جمله‌ای بیاید که فعل شرط و جواب آن ماضی باشد، می‌توانیم فعل شرط را مضارع التزامی و جواب آن را مضارع اخباری ترجمه کنیم. مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ، قَلَّ خَطْوُهُ.

هرکس پیش از سخن گفتن بیندیشد، خطایش کم می‌شود.

هرکس پیش از سخن گفتن اندیشید، خطایش کم شد.



۱- معمولاً ادوات شرط «مَنْ»، «ما» و «اِنْ» در شکل ظاهری فعل شرط و جواب شرط (هنگامی که مضارع هستند)، تغییراتی را انجام می‌دهند. با این تغییرات در پایهٔ نهم در فعل نمی‌آشنا شده بودید. این کلمات، نشانهٔ انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفَعَّلَ، أَفْعَلُ و لَفَعَلَ» را تغییر می‌دهند. «... يَفْعَلُ ... تَفَعَّلَ ... أَفْعَلُ و ... لَفَعَلَ» و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفَعَّلُونَ، تَفَعَّلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفَعَّلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۲- حَسْبُ: بس، کافی

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱ «وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» البقرة: ۱۱۰

۲ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» محمد: ۷

۳ «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» القرآن: ۶۳



۴ إِنْ تَرْزُقُوا الْعُدْوَانَ، تَخْضُدُوا الْحُسْرَانَ.

۱- ما يلي: آنچه می آید ۲- ما تقدّموا: هرچه را از پیش بفرستید ۳- يثبّت: استوار می سازد
۴- خاطب: خطاب کرد ۵- سلام: سخن آرام

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ أَدَاةَ الشَّرْطِ وَفِعْلَ الشَّرْطِ، وَجَوَابَهُ.

۱ «وَمَا تَقْدِمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ» البقرة: ۱۱۰



۲ «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» محمد: ۷

۳ «وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» القرآن: ۶۳

۴ إِنْ تَرْزُقُوا الْعُدْوَانَ، تَخْضُدُوا الْحُسْرَانَ.

۱- ما يلي: آنچه می آید ۲- ما تقدّموا: هرچه را از پیش بفرستید ۳- يثبّت: استوار می سازد
۴- خاطب: خطاب کرد ۵- سلام: سخن آرام

التمرين الأول

التمرين الأول: تَرْجِمِ الآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» البقرة: ٢٧٣ (الْمَجْرُورُ بِخَرْفِ جَزْ)

٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رسول الله ﷺ (اسْمُ الْفَاعِلِ)

٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. الإمام علي عليه السلام (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدَةٌ)

٤- إِذَا سَمَّ الْعَقْلُ نَقَضَ الْكَلَامَ. الإمام علي عليه السلام (الْفَاعِلُ)

٥- أَلْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا. الإمام علي عليه السلام (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

٦- فَمَنْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. الإمام علي عليه السلام (اسْمُ الْمَكْنَى وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



١- الأجر: پاداش، مزد ٢- جهل: ندانست ٣- العتيت: مُرد ٤- وإن كنت أميراً: اگرچه فرمانده باشی

التمرين الثاني

التمرين الأول: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ.

١- التَّعَنُّتُ طَرَحَ سُؤَالَ صَعْبٍ يَهْدَفُ إِيجَادَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ.

٢- عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مَطَالَعَةُ حَوَاضِ الْعَنَاصِرِ.

٣- الْإِلْتِفَاتُ هُوَ كَلَامٌ خَفِيٌّ يَبَيِّنُ شَخْصِينَ.

٤- السَّبُورَةُ نَوْحٌ أَمَامَ الطَّلَابِ يَكْتُبُ عَلَيْهِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الآيَةَ وَالْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» البقرة: ٢٧٣ (الْمَجْرُورُ بِخَرْفِ جَزْ)

٢- مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مِنْ عَمَلٍ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ. رسول الله ﷺ (اسْمُ الْفَاعِلِ)

٣- النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا. الإمام علي عليه السلام (الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ وَ مُفْرَدَةٌ)

٤- إِذَا سَمَّ الْعَقْلُ نَقَضَ الْكَلَامَ. الإمام علي عليه السلام (الْفَاعِلُ)

٥- أَلْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا. الإمام علي عليه السلام (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

٦- فَمَنْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. الإمام علي عليه السلام (اسْمُ الْمَكْنَى وَاسْمُ الْفَاعِلِ)

١- الأجر: پاداش، مزد ٢- جهل: ندانست ٣- العتيت: مُرد ٤- وإن كنت أميراً: اگرچه فرمانده باشی

التمرین الثالث: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الماضي	الْمُضَارِعُ وَالْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
فَدَّ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاذ: نجات دادن
إِيتَعَدَ:	لَا يَتَّبِعُ: دور نمی شود	لَا تَبْتَعِدْ:	إِيتِعَاد: دور شدن
إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	إِنْسِحَاب: عقب نشینی کردن
إِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَعْدِمُ:	إِسْتَعْدِمْ: به کار بگیر	إِسْتِخْدَام:
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَذَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ:	لَا تَتَذَكَّرْ:	تَذَكُّرٌ: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايِشٌ: همزیستی کردن
قَدَّ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التمرین الثاني: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ التَّالِيَةَ.

الماضي	الْمُضَارِعُ وَالْمُسْتَقْبَلُ	الْأَمْرُ وَالنَّهْيُ	الْمَصْدَرُ
فَدَّ أَنْقَذَ:	يُنْقِذُ: نجات می دهد	أَنْقِذْ:	إِنْقَاذ: نجات دادن
إِيتَعَدَ:	لَا يَتَّبِعُ: دور نمی شود	لَا تَبْتَعِدْ:	إِيتِعَاد: دور شدن
إِنْسَحَبَ: عقب نشینی کرد	سَيَنْسَحِبُ:	لَا تَنْسَحِبْ:	إِنْسِحَاب: عقب نشینی کردن
إِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	يَسْتَعْدِمُ:	إِسْتَعْدِمْ: به کار بگیر	إِسْتِخْدَام:
جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ:	مُجَالَسَة:
تَذَكَّرَ: به یاد آورد	يَتَذَكَّرُ:	لَا تَتَذَكَّرْ:	تَذَكُّرٌ: به یاد آوردن
تَعَايَشَ:	يَتَعَايَشُ:	تَعَايَشْ: همزیستی کن	تَعَايِشٌ: همزیستی کردن
قَدَّ حَرَّمَ: حرام کرده است	يُحَرِّمُ: حرام می کند	لَا تُحَرِّمْ:	تَحْرِيم:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمَلُ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هَذَايِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أَوْلَيْكَ مُسْتَمِيعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (=) (≠)

وَدَّ / بَعَدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَآيَةَ / عَدَاوَةٌ / اِحْتِرَامٌ / اَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفَعٌ / ذَنْبٌ / هَرَبَ

إِثْمٌ =	تَبْجِيلٌ =	نَارَةٌ =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أُمُوتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمٌّ ≠
ضُرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمَلُ وَ التَّرَاكِيِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُؤْلَاءِ نَاجِحَاتٌ / هَذَايِ الْمُكَيِّفَانِ / تِلْكَ الْحِصَّةُ / أَوْلَيْكَ مُسْتَمِيعُونَ / هُؤْلَاءِ جُنُودٌ / هَاتَانِ الْبِطَاقَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعِ الْمُرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (=) (≠)

وَدَّ / بَعَدَ / تَكَلَّمَ / اجْلَسَ / نِهَآيَةَ / عَدَاوَةٌ / اِحْتِرَامٌ / اَحْيَاءٌ / مَرَّةٌ / نَفَعٌ / ذَنْبٌ / هَرَبَ

إِثْمٌ =	تَبْجِيلٌ =	نَارَةٌ =	حُبٌّ =
فَرٌّ =	أُمُوتٌ ≠	دَنَا ≠	قُمٌّ ≠
ضُرٌّ ≠	بِدَايَةٌ ≠	سَكَتٌ ≠	صَدَاقَةٌ ≠

التمرين الخامس: أكمل ترجمة ما يلي، ثم عيّن أداة الشرط وفعل الشرط، وجوابه.

١- «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ» البقرة: ١٧٧

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

٢- «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» الزمر: ٧

اگر نیکی کنید، به خودتان

٣- «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» الأنفال: ٢٩

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

٤- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُتْ. رسول الله ﷺ

هرگاه ،

٥- مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الإمام عليّ عليه السلام

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

التمرين السادس: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

١- هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْبَسَارِ. الْمَشَاغِبُ

٢- هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ. التَّبْجِيلُ

٣- مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ. الْفُسُوقُ

٤- تَزَكُّ أَمْرُ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي. الْأَجْرُ

٥- أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ. الْإِلْتِفَاتُ

السُّلُوكُ

١- فرقان: جداکننده حق از باطل

التمرين السادس: أكمل ترجمة ما يلي، ثم عيّن أداة الشرط وفعل الشرط، وجوابه.

١- «وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ» البقرة: ١٧٧

و آنچه را از کار نیک ، خدا آن را می‌داند. (از آن آگاه است).

٢- «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ» الزمر: ٧

اگر نیکی کنید، به خودتان

٣- «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا» الأنفال: ٢٩

اگر از خدا پروا کنید، برایتان نیروی تشخیص حق از باطل

٤- إِذَا غَضِبْتَ، فَاسْكُتْ. رسول الله ﷺ

هرگاه ،

٥- مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. الإمام عليّ عليه السلام

هرکس در خردسالی اش بپرسد، در بزرگسالی اش

التمرين السابع: ضع في الدائرة العدد المناسب. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ»

١- هُوَ تَحْرِيكُ الْوَجْهِ إِلَى الْيَمِينِ وَ إِلَى الْبَسَارِ. الْمَشَاغِبُ

٢- هُوَ الَّذِي يُسَبِّبُ مَشَاكِلَ وَ يَضُرُّ النَّظْمَ. الْحِصَّةُ

٣- مَا يُعْطَى مُقَابِلَ عَمَلٍ عَامِلٍ أَوْ مُوظَّفٍ. الْفُسُوقُ

٤- تَزَكُّ أَمْرُ اللَّهِ، وَ ارْتِكَابُ الْمَعَاصِي. الْأَجْرُ

٥- أَعْمَالُ الْإِنْسَانِ وَ أَخْلَاقُهُ. الْإِلْتِفَاتُ

السُّلُوكُ

١- فرقان: جداکننده حق از باطل

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْلَاقٍ	أَنْفُسٍ	أَحْيَاءٍ	أَمْوَاتٍ
.....
جُنُودٍ	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَاتٍ	أَعْدَاءٍ	طُلَّابٍ
.....
خَوَاصٍ	أَقْدَامٍ	فَسَاتِينِ	أَسْعَارٍ	ذُنُوبٍ
.....
غُيُوبٍ	غُيُوبٍ	أَسْمَاءٍ	سَرَاوِيلٍ	مَلَاعِبٍ
.....
إِخْوَانٍ	عِبَادٍ	بِهَائِمٍ	أَفْضَلٍ	كِبَائِرٍ
.....
تَرَاقِبٍ	جَمَلٍ	أَعْمَالٍ	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: اكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ.

مَعَاصِي	أَخْلَاقٍ	أَنْفُسٍ	أَحْيَاءٍ	أَمْوَاتٍ
.....
جُنُودٍ	بِطَاقَتَانِ	نَاجِحَاتٍ	أَعْدَاءٍ	طُلَّابٍ
.....
خَوَاصٍ	أَقْدَامٍ	فَسَاتِينِ	أَسْعَارٍ	ذُنُوبٍ
.....
غُيُوبٍ	غُيُوبٍ	أَسْمَاءٍ	سَرَاوِيلٍ	مَلَاعِبٍ
.....
إِخْوَانٍ	عِبَادٍ	بِهَائِمٍ	أَفْضَلٍ	كِبَائِرٍ
.....
تَرَاقِبٍ	جَمَلٍ	أَعْمَالٍ	مُسْتَمِعُونَ	مُكَيِّفَانِ
.....



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالتَّوْبَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالتَّوْبَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ...﴾

الأنعام: ٩٥

بی گمان خدا شکافنده دانه و هسته است.

زنده را از مُرده بیرون می آورد و بیرون آورنده مُرده از زنده است.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

ظواهرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعِنْبُ البرازيلي شَجَرَةٌ تَحْتَلِفُ عَنِ باقي أشجارِ العالمِ، تَنْبُثُ فِي البرازيلِ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَذْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُويا شَجَرَةٌ مِنْ أطولِ أشجارِ العالمِ فِي كاليفورنيا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أمتارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ

ظواهرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ:



الْعِنْبُ البرازيلي شَجَرَةٌ تَحْتَلِفُ عَنِ باقي أشجارِ العالمِ، تَنْبُثُ فِي البرازيلِ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَذْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطِي أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ.



شَجَرَةُ السُّكُويا شَجَرَةٌ مِنْ أطولِ أشجارِ العالمِ فِي كاليفورنيا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أمتارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيباً.



أَشْجَرَةُ الْغَابِقَةِ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ
الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِاتِّفَافِ
حَوْلَ جَذَعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَحْتَضِرُهَا
تَدْرِجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ
الَّتِي تَقَعُ فِي مَحَافِظَةِ هَرْمُزْجَانَ.



مَدِينَةُ بُرْدُخُونِ فِي مَحَافِظَةِ بُوْشَهْرِ.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي
جَزِيرَةِ الْمُحَيْطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.



شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ اسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي
جَزِيرَةِ الْمُحَيْطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَارًا فِي
نَهَايَةِ أَغْصَانِهَا كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ
هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمُورَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ الْفِي سَنَةِ. تَوْجَدُ غَابَاتٌ
جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مَحَافِظَتَيْ إِيلَامِ وَ لُرِسْتَانَ. يَذْفِنُ السُّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ
تَحْتَ التُّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجُوزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قال الإمام الصادق عليه السلام :

• إِرْزَعُوا وَ اغْرِسُوا، ... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطَيَّبَ مِنْهُ. •

كشاوری کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر
و خوبتر از آن انجام نداده اند.

شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْمِدُهَا الْمُرَارِعُونَ كَسِيَاخٍ حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِجَمَاعِيَةِ فَحَاصِلِهِمْ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ؛ لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَتَخْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّيُوتِ لَا يَسْبَبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ. وَ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يُوَجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهْرِ بِمُحَافَظَةِ سِيستَانِ وَ بَلُوِستَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ.



شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمَعْمَرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ الْفِي سَنَةٍ. تُوَجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَتِي إِيلَامِ وَ لُرِستَانِ. يَذْفَنُ السُّنَجَابُ بَعْضَ جُوزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ الشَّرَابِ، وَ قَدْ يَنْسُو مَكَائِهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجُوزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.



قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ :

«إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا... وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أُطِيبَ مِنْهُ.»

کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند مردم کاری را حلالتر و خوبتر از آن انجام نداده‌اند.

أَلْمُعْجَم

أَحَلَّ	حلال تر، حلال‌ترین	لَبَّ	مغز میوه
أَطِيبَ	خوب تر، خوب‌ترین = أَحْسَنَ، أَفْضَلَ	الْمُحِيطُ الْهَادِي	اقیانوس آرام
أَغْصَانُ، غُصُونُ	شاخه‌ها «مفرد: غُصْنٌ»	مُعَمَّرٌ	کهن سال
جَذَعٌ	تنه «جمع: جُذوع»	مُواصِفَاتٌ	ویژگی‌ها
جَزُرٌ	جزیره‌ها «مفرد: جَزِيرَةٌ»	تَبَّتْ	روید (مضارع: تَبَّتْ)
جُوزَةٌ	دانه گردو، بلوط و مانند آن	نُصِفٌ	توصیف می‌کنیم
فَالِقٌ	شکافنده	نَوَى	هسته



محاصيل : محصولات	جدوع : تنه «جمع: جُدوع»	أحل : حلال تر، حلال ترین
المحيط الهادئ : اقیانوس آرام	جزر : جزیره ها «مفرد: جزيرة»	اشتعال : برافروخته شدن، سوختن
مزارع : کشاورز = زارع، فلاح	جوزة : دانه گردو، بلوط و مانند آن	(اشتعل، یشتعل)
مُعمر : کهن سال	خفق : خفه کرد (مضارع: یخفق)	أطيب : خوب تر، خوب ترین = أحسن، أفضل
مُلوث : آلوده کننده	خانیق : خفه کننده	أغصان، عُصون : شاخه ها
مواصفات : ویژگی ها	سبب : سبب شد (مضارع: یُسبب)	«مفرد: عُصن»
نبت : روید (مضارع: یُنبت)	سیاح : پرچین	التفاف : در هم پیچیدن
نصف : توصیف می کنیم	غاز : گاز	(التف، یلتف)
نوی : هسته	فالق : شکافنده	بذور : دانه ها «مفرد: بذر»
	لب : مغز میوه	

صَغ في الفراغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- تَبَدُّ الشَّجَرَةِ الْخَانِقَةُ حَيَاتَهَا بِ..... حَوْلَ جِذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا.
- ۲- لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَ زُبُوتِ شَجَرَةِ النَّفْطِ خُرُوجَ أَيِّ..... مُلَوَّنَةٍ.
- ۳- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي..... إِيلَامَ وَ لُرِستان.
- ۴- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.
- ۵- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَاراً فِي نِهَائِهِ..... كَالْخُبْزِ.
- ۶- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَيَّ..... شَجَرَتِهِ.

صَغ في الفراغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْ أَشْجَارِ الْبَلُوطِ فِي..... إِيلَامَ وَ لُرِستان.
- ۲- قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعُ بَعْضِ أَشْجَارِ السُّكُوبَا أَكْثَرَ مِنْ..... مِثْرٍ.
- ۳- تَحْمِلُ شَجَرَةُ الْخُبْزِ أَثْمَاراً فِي نِهَائِهِ..... كَالْخُبْزِ.
- ۴- تَنْمُو أَثْمَارُ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَيَّ..... شَجَرَتِهِ.

إِعْلَمُوا

الْمَعْرِفَةُ وَ النِّكْرَةُ

- اسم معرفه اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده شناخته شده است؛ اما اسم نکره، ناشناخته است. مهم ترین نشانه اسم معرفه، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاء مُدْرَسٌ	معلّمی آمد.
جاء المُدْرَسُ.	جاء المُدْرَسُ. معلم آمد.
- وَجَدْتُ قَلَمًا. قلمی را یافتم.

وَجَدْتُ الْقَلَمَ.	قلم را یافتم.
---------------------	---------------

- معمولاً هرگاه اسمی به صورت نکره بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود، می توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.

اسب هایی را دیدم. آن اسب ها کنار صاحبشان بودند.

اعلموا

المعرفة والنكرة

■ اسم **معرفة** اسمی است که نزد گوینده و شنونده، یا خواننده **شناخته** شده است؛ اما

اسم **نکره**، **ناشناخته** است. مهم‌ترین نشانه اسم **معرفة**، داشتن «ال» است؛ مثال:

جاء مُدْرِسٌ: معلمی آمد. جاء المُدْرِسُ: معلم آمد.

وَجَدْتُ قَلَمًا: قلمی را یافتم. وَجَدْتُ القَلَمَ: قلم را یافتم.

■ معمولاً هرگاه اسمی به صورت **نکره** بیاید و همان اسم دوباره همراه «ال» تکرار شود،

می‌توان الف و لامش را «این» یا «آن» ترجمه کرد؛ مثال:

رَأَيْتُ أفراسًا. كَانَتْ الأفراسُ جَنَبَ صاحبِها.

اسب‌هایی را دیدم. آن اسب‌ها کنار صاحبشان بودند.



کلمه **أفراساً** «نکره» است. اسم **نکره** نزد گوینده، شنونده، یا خواننده **ناشناخته** است؛ اسم

نکره معمولاً **تنوین** (ـُ، ـِ، ـِ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلِي و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم **نکره** به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاء رَجُلٌ.



کلمه **أفراساً** «نکره» است. اسم **نکره** نزد گوینده، شنونده، یا خواننده **ناشناخته** است؛ اسم

نکره معمولاً **تنوین** (ـُ، ـِ، ـِ) دارد؛ مثال: رَجُلًا، رَجُلِي و رَجُلٌ

در زبان فارسی اسم **نکره** به سه صورت می‌آید:

مردی آمد. / یک مرد آمد. / یک مردی آمد.

معادل عربی هر سه جمله بالا می‌شود: جاء رَجُلٌ.

■ اسم **خاص** (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم **عَلَمٌ**» نامیده

می‌شود و **معرفة** به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...

اسم **عَلَمٌ**، مانند: عَبَّاسٌ، كَاطِمٌ و حُسَيْنٌ **تنوین** دارد، ولی **نکره** نیست؛ بلکه **معرفة** است.

■ سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر **تنوین** دارد؛ مثال:

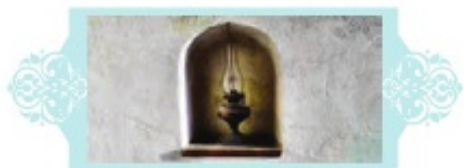
أَعْلَمُ كُنْزٌ. دانش گنج است. فَرِيقُنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.

در دو مثال بالا **کنزٌ** و **فائزٌ** **تنوین** دارند؛ اما نیازی به **نکره** معنا کردن نیست.

- اسم خاص (یعنی نام مخصوص کسی یا جایی) در زبان عربی «اسم عَلَم» نامیده می‌شود و معرفه به شمار می‌رود؛ مانند: هاشم، مریم، بغداد، بیروت و ...
- اسم عَلَم، مانند: عَبَّاسٌ، كَاطِمٌ و حُسَيْنٌ تنوین دارد، ولی نکره نیست؛ بلکه معرفه است. سال گذشته با مبتدا و خبر آشنا شدید. گاهی خبر تنوین دارد؛ مثال:
الْعِلْمُ كَنْزٌ. دانش گنج است. قَرِيقْنَا فَائِزٌ. تیم ما برنده است.
در دو مثال بالا كَنْزٌ و فَائِزٌ تنوین دارند؛ اما نیازی به نکره معنا کردن نیست.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

۱ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْيَصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ التور: ۳۵



۲ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾ التنازل: ۱۵ و ۱۶

۳ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رسول الله ﷺ

۱- ما يلي: آنچه می‌آید ۲- المِشْكَاةُ: چراغدان ۳- الدُرِّيُّ: درخشان

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ مَا يَلِي حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

۱ ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْيَصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾ التور: ۳۵



۲ ﴿... أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا فَعَصَىٰ فِرْعَوْنَ الرَّسُولَ...﴾ التنازل: ۱۵ و ۱۶

۳ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ. رسول الله ﷺ

۱- ما يلي: آنچه می‌آید ۲- المِشْكَاةُ: چراغدان ۳- الدُرِّيُّ: درخشان

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في المَلْعَبِ الرِّياضيّ)

إبراهيم	إسماعيل
لِمُشَاهَدَةِ أَيِّ مُبَارَاةٍ؟	تَعَالَ نَذْهَبْ إِلَى الْمَلْعَبِ.
بَيْنَ مَنْ هَذِهِ الْمُبَارَاةُ؟	لِمُشَاهَدَةِ مُبَارَاةِ كُرَةِ الْقَدَمِ.
الْفَرِيقَانِ تَعَادَلَا قَبْلَ أُسْبُوعَيْنِ.	بَيْنَ فَرِيقِ الصُّدَاقَةِ وَالسَّعَادَةِ.
أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَقْوَى؟	أَتَذَكَّرُ ذَلِكَ.
عَلَى عَيْنِي. تَعَالَ نَذْهَبْ.	كَلَّا، هُمَا قَوِيَانِ. عَلَيْنَا بِالذُّهَابِ إِلَى الْمَلْعَبِ قَبْلَ أَنْ يَمْتَلِئَ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ.
في المَلْعَبِ	
هُوَ هَجَمَ عَلَى مَرْمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ. هَدَفَ، هَدَفَ!	انظُرْ! جَاءَ أَحَدُ مُهَاجِمِي فَرِيقِ الصُّدَاقَةِ. سَيَسْجِلُ هَدَفًا.
رُبَّمَا يَسْتَبِيحُ نَسْلًا!	لَكِنَّ الْحَكْمَ مَا قَبْلَ الْهَدَفِ! لِمَاذَا؟!
يُعْجِبُنِي "جِدًّا حَارِشُ مَرْمَى" فَرِيقِ السَّعَادَةِ!	انظُرْ، هَجَمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ جَانِبِ لَاعِبِ فَرِيقِ الصُّدَاقَةِ.
مَنْ يُسْجِلُ هَدَفًا يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ.	مَنْ يَذْهَبُ إِلَى النِّهَائِيِّ؟
لَقَدْ تَعَادَلَا مَرَّةً ثَانِيَةً بِلَا هَدَفِ.	الْحَكْمُ يَضْفِرُ.



- ١- المُبَارَاةُ: مسابقة
- ٢- تَعَادَلُ: برابر شد
- ٣- أَلَذَكَّرُ: به یاد می‌آورم
- ٤- كَلَّا: هر دو
- ٥- أَنْ يَمْتَلِئَ: که پر شود
- ٦- الْمُتَفَرِّجُ: تماشاچی
- ٧- سَيَسْجِلُ: ثبت خواهد کرد
- ٨- الْهَدَفُ: گل
- ٩- الْمَرْمَى: دروازه
- ١٠- الْحَكْمُ: داور
- ١١- النَّسْلُ: آفساید
- ١٢- يُعْجِبُنِي: مرا در شگفت می‌آورد، خوشم می‌آید (عُجِبْتُ، يُعْجِبُ)
- ١٣- حَارِشُ الْمَرْمَى: دروازه‌بان

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في المَلْعَبِ)

الأعب	الفراسل
شكراً جزيلاً	أهنيك بيقوز الفريق الوطني.
نحن نشعور بالسرور و نتمنى على كأس المباريات.	ما شعور اللاعبين بهذا الفوز؟
نحن نلعب بكل حماس و نتعاون جلال المباراة.	و ما يبر فوز الفريق في هذه المباراة؟
نشكر المدرب و الحكم و نهني الشعب و نطلب منهم الدعاء للفوز في المباراة القادمة.	و هل عندك حديث آخر؟



- ١- فراسل: خرنکار
- ٢- اللاعب: بازیکن
- ٣- أهنيك: تبریک می‌گویم
- ٤- الفريق الوطني: تیم ملی
- ٥- المباريات: مسابقات
- ٦- مباراة: مسابقه
- ٧- حماس: شور و شوق، غیرت، هیجان
- ٨- مُدْرَب: مربی
- ٩- الحكم: داور

التمرين

التمرين الأول: أي كلمة من كلمات معجم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟

- ١- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٢- التَّجْمُعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ.
- ٣- الَّذِي يُغْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا.
- ٤- الَّذِي يُعْمَلُ فِي المَرْزَعَةِ.
- ٥- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّبَوُّيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ سَمَرِ ذَلِكَ الْعَرْسِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْبُودُ، وَالْفَاعِلُ)

١- ما مِنْ: هيج - ليست ٢- غرس: نهال

التمرين

التمرين الأول: أي كلمة من كلمات معجم الدرس تناسب التوضيحات التالية؟

- ١- مِسَاحَةٌ مِنَ الْأَرْضِ، حَوْلَهَا الْمَاءُ مِنْ كُلِّ جِهَةٍ.
- ٢- بَحْرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ تَقْرِيْبًا.
- ٣- الَّذِي يُغْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا.
- ٤- صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ.
- ٥- سَاقُ الشَّجَرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ التَّبَوُّيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- ما مِنْ مُسْلِمٍ يَزْرَعُ زَرْعًا أَوْ يَغْرِسُ غَرْسًا قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ. (الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ، وَاسْمُ الْفَاعِلِ)



- ٢- ما مِنْ رَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنْ سَمَرِ ذَلِكَ الْعَرْسِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي، وَالْمَفْعُولُ)

- ٣- سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (الْفِعْلُ الْمَجْبُودُ، وَالْفَاعِلُ)

١- ما مِنْ: هيج - ليست ٢- غرس: نهال

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ:

ألف: عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

- ١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.
- صدای عجیبی را شنیدم. صدای عجیب را شنیدم.
- ٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.
- به روستایی رسیدم. به روستا رسیدم.
- ٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي
- نگاهی به گذشته نگاه به گذشته
- ٤- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ
- بندگانِ درستکار بندگانِ درستکار
- ٥- أَلْسَوَاذُ الْعَتِيقِ
- دستبندِ کهنه دستبندی کهنه
- ٦- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ
- تاریخی زرین تاریخ زرین



الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ:

ألف: عَيِّنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ.

- ١- سَمِعْتُ صَوْتًا عَجِيبًا.
- صدای عجیبی را شنیدم. صدای عجیب را شنیدم.
- ٢- وَصَلْتُ إِلَى الْقَرْيَةِ.
- به روستایی رسیدم. به روستا رسیدم.
- ٣- نَظَرْتُ إِلَى الْمَاضِي
- نگاهی به گذشته نگاه به گذشته
- ٤- أَلْعِبَادُ الصَّالِحُونَ
- بندگانِ درستکار بندگانِ درستکار
- ٥- أَلْسَوَاذُ الْعَتِيقِ
- دستبندِ کهنه دستبندی کهنه
- ٦- أَلتَّارِيخُ الذَّهَبِيُّ
- تاریخی زرین تاریخ زرین



ب: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ.



سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسِ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.



عِمَارَةٌ خُسرُو آبَادِ فِي سَنَنْدَجِ تَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ مُدُنِ إِيرَانَ. حَدِيقَةُ شَاهِرَادِه قُرْبَ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كُرْدْگَلَا فِي مَحَافِظَةِ مازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

٢- قَائِمَةُ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لَيْسَتْ مِيرَاثَ جِهَانِي
٤- تَكْيَةُ كُرْدْگَلَا فِي آثَارِ مَلَى إِيرَانَ فِي شَمَالِ شَهْرِسْتَانِ جُوبِيَارِ

١- أُشِيرَ: إِشَارَةٌ شَدَّ
٣- سَيَّاحٌ: كُرْدشَكَرَانَ، مَفْرَدٌ أَنْ: سَائِحٌ

ب: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَعْرِفَةَ وَ النَّكِرَةَ فِي مَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِحَطِّ.



سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسِ فِي قَائِمَةِ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.



عِمَارَةٌ خُسرُو آبَادِ فِي سَنَنْدَجِ تَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ مُدُنِ إِيرَانَ. حَدِيقَةُ شَاهِرَادِه قُرْبَ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ.



مَعْبَدُ كُرْدْگَلَا فِي مَحَافِظَةِ مازَنْدَرَانَ أَحَدُ الْآثَارِ الْقَدِيمَةِ.

٢- قَائِمَةُ التَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ: لَيْسَتْ مِيرَاثَ جِهَانِي
٤- تَكْيَةُ كُرْدْگَلَا فِي آثَارِ مَلَى إِيرَانَ فِي شَمَالِ شَهْرِسْتَانِ جُوبِيَارِ

١- أُشِيرَ: إِشَارَةٌ شَدَّ
٣- سَيَّاحٌ: كُرْدشَكَرَانَ، مَفْرَدٌ أَنْ: سَائِحٌ

التمرين السادس: ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

- ١- يُشجَعُ الـ فريقيهم في الملعب. مواصفات □ متاجر □ متفرجون □
- ٢- شُطِطِي المُرور حتى تتوقف السيارات. يصفير □ يتعادل □ يمتلي □
- ٣- وَضَعْتُ المِصباحَ في البيت. تخفيض □ مفتاح □ مشكاة □
- ٤- جَدِي لا بعض ذكرياته. يغرِس □ يتذكر □ ينبث □
- ٥- شاركَ زملاؤنا في علمية. مباراة □ غرس □ بذور □
- ٦- سَجَلْ لاعِبينا رائعا. جِءَا □ هَدَا □ نَوَعِيَةً □

التمرين السابع: اكتب جمع هذه الأسماء.

سائح =	أثر =	تاريخ =	قرية =
عبد =	دولة =	بهيمة =	ملعب =
رسول =	سروال =	غصن =	شجر =
زيت =	حي =	قبر =	

التمرين السادس: ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

- ١- يُسَافِرُ كَثِيرًا مِنَ الـ إلى إيران كل عام. قائمة □ أغصان □ سباح □
- ٢- وَضَعْتُ المِصباحَ في البيت. تخفيض □ مفتاح □ مشكاة □
- ٣- جَدِي لا بعض ذكرياته. يغرِس □ يتذكر □ ينبث □
- ٤- شاركَ زملاؤنا في علمية. مباراة □ غرس □ بذور □
- ٥- بَدَأَ الـ بتعليم الرياضيين. فسوز □ مذكر □ ثرا □

التمرين السابع: اكتب جمع هذه الأسماء.

سائح =	أثر =	تاريخ =	قرية =
عبد =	دولة =	بهيمة =	ملعب =
رسول =	سروال =	غصن =	شجر =
زيت =	حي =	قبر =	

التمرين الثامن:

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُدُورُ الثِّبَاتِ جُذُوعُ الْأَشْجَارِ جِدَارُ الْعِمَارَةِ جُزُأَتُ الْبَلُوطِ
- ٢- حَارِسُ الْمَرْمَى كُرَّةُ الْقَدَمِ حَكْمُ الْمُبَارَاةِ زُجَاجَةُ الْمِصْبَاحِ
- ٣- مَدِينَةٌ بَهِيمَةٌ قَرْيَةٌ مَحَافِظَةٌ
- ٤- شُرْطِيٌّ خَبَّازٌ خَدَّادٌ ذِكْرِيٌّ
- ٥- سِيَاحٌ آلَافٌ مِئَاتٌ عَشْرَاتٌ

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ)

- ٦- تِمْتَالٌ إِيْلَامٌ سَنَنْدَجٌ كِرْمَانِشَاهٌ
- ٧- أَسْيَاحٌ شَارِعٌ أَسَاخَةٌ الْمُنْتَظَمَةُ
- ٨- الْقَرِيْقُ الْهَدْفُ الْبَيْسَةُ الْمُتَفَرِّجُ
- ٩- سَعِيدٌ سِنَجَابٌ مَحْمُودٌ صَادِقٌ
- ١٠- فَاطِمَةُ زَهْرَاءُ مَعْصُومَةٌ إِمْرَأَةٌ

التمرين الثامن:

الف: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ الْمَعْنَى)

- ١- بُدُورُ الثِّبَاتِ جُذُوعُ الْأَشْجَارِ جِدَارُ الْعِمَارَةِ جُزُأَتُ الْبَلُوطِ
- ٢- مَدِينَةٌ بَهِيمَةٌ قَرْيَةٌ مَحَافِظَةٌ
- ٣- شُرْطِيٌّ خَبَّازٌ خَدَّادٌ ذِكْرِيٌّ
- ٤- سِيَاحٌ آلَافٌ مِئَاتٌ عَشْرَاتٌ

ب: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ. (حَسَبِ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ)

- ١- تِمْتَالٌ إِيْلَامٌ سَنَنْدَجٌ كِرْمَانِشَاهٌ
- ٢- أَسْيَاحٌ شَارِعٌ أَسَاخَةٌ الْمُنْتَظَمَةُ
- ٣- سَعِيدٌ سِنَجَابٌ مَحْمُودٌ صَادِقٌ
- ٤- فَاطِمَةُ زَهْرَاءُ مَعْصُومَةٌ إِمْرَأَةٌ



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾

الأحزاب: ٧٠

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید.

الدُّرُسُ الرَّابِعُ

آدَابُ الْكَلَامِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَأَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ٧٠)

لِلْكَلامِ آدَابٌ يُجِبُّ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُوَ الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ١٢٥)

وَ يُجِبُّ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢) وَ يُجِبُّ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ» (الإمام الصادق عليه السلام)، كَمَا يُجِبُّ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ نَبَأًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُفَيِّعَهُمْ وَ يَكَسِبَ مَوَدَّتَهُمْ، «كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» رسول الله ﷺ، وَ «عَوِذُ لِسَانِكَ لِبَنِي الْكَلَامِ» (الإمام علي عليه السلام) وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦) وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرَضُ نَفْسُهُ لِلنُّهْمِ: «اتَّقُوا مَوَاضِعَ النُّهْمِ» رسول الله ﷺ



الْمُتَكَلِّمِ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ عُيُوبُهُ تَحْتِ لِسَانِهِ» (الإمام علي عليه السلام) فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

الدُّرُسُ الرَّابِعُ

آدَابُ الْكَلَامِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الأحزاب: ٧٠)

لِلْكَلامِ آدَابٌ يُجِبُّ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُوَ الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ. ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ١٢٥) وَ يُجِبُّ أَنْ يَكُونَ الْقَائِلَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ، ﴿لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصف: ٢)

وَ يُجِبُّ أَنْ يُسَلِّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ

«السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ» (الإمام الصادق عليه السلام)،

كَمَا يُجِبُّ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ نَبَأًا وَ أَنْ يَكُونَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمِيعِينَ، لِكَيْ يُفَيِّعَهُمْ وَ يَكَسِبَ مَوَدَّتَهُمْ.

«كَلِمَةُ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ» رسول الله ﷺ،

وَ «عَوِذُ لِسَانِكَ لِبَنِي الْكَلَامِ» (الإمام علي عليه السلام)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ،

﴿وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الإسراء: ٣٦)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرَضُ نَفْسُهُ

لِلنُّهْمِ:



«رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ» الإمام علي عليه السلام

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَرُّنَا نَمَّ تَكَلَّمَ تَسَلَّمَ مِنَ الرَّزْلِ» الإمام علي عليه السلام

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْإِجْتِنَابُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِبْدِ. «لَا تُحَدِّثْ بِهَا

تُخَافُ تَكْذِيبَهُ» الإمام علي عليه السلام

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ

أَهْلِ النَّارِ» رسول الله ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْبُهُ. «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَذَلُّ» الإمام علي عليه السلام



وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلٌ الْمَطْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطِ
يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَبِمَطْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ
سُقْرَاطُ: تَكَلِّمْ حَتَّى أَرَكَ.

۱- ما قَلَّ وَ ذَلُّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند).

«اتَّقُوا مَوَاضِعَ الثُّهْمِ» رسول الله ﷺ أَلْتَكَلَّمُ يُعَرِّفُ بِكَلَامِهِ.

«تَكَلَّمُوا تُعَرَّفُوا، فَإِنَّ الْمُرَّةَ تَحْبُوهُ تَحْتَ لِسَانِهِ» الإمام علي عليه السلام

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ.

«رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ» الإمام علي عليه السلام

وَرُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ.

«فَكَرُّنَا نَمَّ تَكَلَّمَ تَسَلَّمَ مِنَ الرَّزْلِ» الإمام علي عليه السلام

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْإِجْتِنَابُ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِبْدِ.

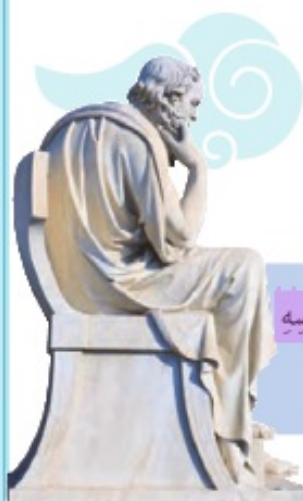
«لَا تُحَدِّثْ بِهَا تُخَافُ تَكْذِيبَهُ» الإمام علي عليه السلام

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ.

«مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ» رسول الله ﷺ

وَمِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْبُهُ.

«خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ ذَلُّ» الإمام علي عليه السلام



وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلٌ الْمَطْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطِ يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ
وَ بِمَطْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ سُقْرَاطُ: تَكَلِّمْ حَتَّى أَرَكَ.

۱- ما قَلَّ وَ ذَلُّ: آنچه کم باشد و راهنمایی کند. (سخنی کوتاه که منظور را کامل به شنونده برساند).

الْمُعْجَم

أذُعُ : فرا بخوان (ذعا، يذعو)	كَلَّمَ	سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ (مضارع: يَكَلِّمُ)
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند (تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)	لَا تُحَدِّثُ	سخن نگو (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)
تُهَمِّمُ : تهمت‌ها «مفرد: تُهَمِّمَةُ»	لَا تَقْفُ	پیروی نکن (قفا، يَقْفُو)
زَلَّ : لغزش	يَكْفِي يُقْنِعُ	تا قانع کند (أَقْنَعُ، يُقْنِعُ)
سَدِيدٌ : درست و استوار	لَيْسَ	نرم ≠ خَشِينٌ
طَوْبَى لـ : خوشا به حال	لَيْسَ	نرمی ≠ خُسُونَةٌ
عَوْدَةٌ : عادت داد (مضارع: يُعَوِّدُ)	مُحِبُّوهُ	پنهان = خَفِيٌّ
قِلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَةٌ	يُعْرَضُ	در معرض می‌گذارد (ماضی: عَرَضَ)

أذُعُ : فرا بخوان (ذعا، يذعو)	عَوْدَةٌ : عادت داد (مضارع: يُعَوِّدُ)	كَلَّمَ
أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند (تَدَخَّلَ، يَتَدَخَّلُ)	قِلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَةٌ	لَا تُحَدِّثُ
تُهَمِّمُ : تهمت‌ها «مفرد: تُهَمِّمَةُ»	كَلَّمَ : سخن گفت = حَدَّثَ، تَكَلَّمَ (مضارع: يَكَلِّمُ)	لَا تَقْفُ
زَلَّ : لغزش	لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)	يَكْفِي يُقْنِعُ
سَدِيدٌ : درست و استوار	لَا تُحَدِّثُ : سخن نگو (حَدَّثَ، يُحَدِّثُ)	لَيْسَ
طَوْبَى لـ : خوشا به حال	لَا تَقْفُ : پیروی نکن (قفا، يَقْفُو)	مُحِبُّوهُ
		يُعْرَضُ

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقْعُ فِي خَطَا.
- ۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.
- ۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْأَخْرَبِينَ بِلِسَانِنَا.
- ۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرَفُ شَأْنُهُ.
- ۵- لَا تُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- الَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقْعُ فِي خَطَا.
- ۲- مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ.
- ۳- عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْأَخْرَبِينَ بِلِسَانِنَا.
- ۴- الَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرَفُ شَأْنُهُ.
- ۵- لَا تُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ.

إِعْلَمُوا

أَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از اسمی نکره فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا سنجاباً يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید.



إِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرَكُ.

راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم نکره «وَلَدًا» فعل مضارع آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و فعل مضارع نیز معمولاً ماضی استمراری ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ⇐ ماضی استمراری
ترجمه

إِعْلَمُوا

أَلْجُمْلَةُ بَعْدَ النَّكْرَةِ

■ معمولاً هنگامی که بعد از اسمی نکره فعلی بیاید که درباره آن اسم نکره توضیح دهد، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم حرف ربط «که» می آید و فعل، مطابق شرایط جمله ترجمه می شود؛ مثال:

شاهدنا سنجاباً يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ.

سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرید.



رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ.

پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

■ عبارت (رَأَيْتُ وَوَلَدًا يَمْشِي بِسُرْعَةٍ) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم نکره «وَلَدًا» فعل مضارع آمده است که درباره «وَلَدًا» توضیح می دهد؛ در ترجمه فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و فعل مضارع نیز معمولاً ماضی استمراری ترجمه می شود.

ماضی + اسم نکره + مضارع ⇐ ماضی استمراری
ترجمه

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دَقَّت کنید.

أَقْتَسُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنیال فرهنگ لغتی می‌گردد که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أَشَاهِدُ طَالِباً يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ← مضارع التزامی یا مضارع إخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دقت کنید.

إِسْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَاباً قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ← ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^١ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^٢ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ^٣ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^٤ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْلِيلَاتِ صَلَاةٍ (غَضْرُ))

١- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود ٢- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند ٣- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

■ اما اگر فعلِ اوّل مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دَقَّت کنید.

أَقْتَسُ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ.

دنیال فرهنگ لغتی می‌گردد که مرا در فهم متون کمک کند. (کمک می‌کند)

أَشَاهِدُ طَالِباً يَكْتُبُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ فِي الصَّفِّ.

دانش‌آموزی را می‌بینم که تمرین‌های درس را در کلاس می‌نویسد.

مضارع + اسم نکره + مضارع ← مضارع التزامی یا مضارع إخباری

ترجمه



■ اکنون به ترجمه جمله زیر دقت کنید.

إِسْتَرَيْتُ الْيَوْمَ كِتَاباً قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ.

امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + اسم نکره + ماضی ← ماضی بعید یا ماضی ساده

ترجمه

تذکر: ترجمه هنر است و باید در ترجمه به مطالب بسیاری مانند موضوع متن، قرائن و قواعد زبان مقصد توجه کرد.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ؛ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ^١ وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ^٢ وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ^٣ وَ

مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ^٤ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. (مِنْ تَعْلِيلَاتِ صَلَاةٍ (غَضْرُ))

١- لَا تَشْبَعُ: سیر نمی‌شود ٢- لَا يَخْشَعُ: فروتنی نمی‌کند ٣- لَا تَرْفَعُ: بالا برده نمی‌شود

التمرين

التمرين الأول: املأ الفراغ في آيات نص الدرس و أحاديثه بكلمات صحيحة.

عَلَّمَ ، النَّارِ ، عَقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةَ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- «أذع إلى سبيل ربك بالحكمة و التوعظة و جادلهم بالتي

هي» التحل: ١٢٥

٢- «ولا تقف ما ليس لك به» الإسراء: ٣٦

٣- «لم تقولون ما لا» الشف: ٢

٤- كلم الناس على قدر رسول الله ﷺ

٥- تكلموا تعرفوا فإن المرء محبوب تحت الإمام علي عليه السلام

٦- من خاف الناس من لسانه فهو من أهل رسول الله ﷺ



التمرين

التمرين الأول: املأ الفراغ في آيات نص الدرس و أحاديثه بكلمات صحيحة.

عَلَّمَ ، النَّارِ ، عَقُولِهِمْ ، الْحَسَنَةَ ، أَحْسَنُ ، لِسَانِهِ ، تَفْعَلُونَ

١- «أذع إلى سبيل ربك بالحكمة و التوعظة و جادلهم بالتي

هي» التحل: ١٢٥

٢- «ولا تقف ما ليس لك به» الإسراء: ٣٦

٣- «لم تقولون ما لا» الشف: ٢

٤- كلم الناس على قدر رسول الله ﷺ

٥- تكلموا تعرفوا فإن المرء محبوب تحت الإمام علي عليه السلام

٦- من خاف الناس من لسانه فهو من أهل رسول الله ﷺ



التمرين الثاني: تَرْجِمِ الأحاديثَ، ثُمَّ عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِشُحِيهِ . رسول الله ﷺ

(الفعل المجهول و الجار والمجرور)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلِيهِ. رسول الله ﷺ

(اسم التفضيل و المضاف إليه)

٣- أَلْعَلِمُ نَوْراً وَضِيَاءً يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ. رسول الله ﷺ

(المبتدأ و الفاعل)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرّاً . رسول الله ﷺ

(فعل الأمر و المفعول)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كَلِّمَ مَا تَعْلَمُ. أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

(المضارع المنفي و فعل النهي)



١- فُحْشِي: كفتار و كردار زشت ٢- مُرّاً: تلخ

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الأحاديثَ، ثُمَّ عَيِّنِ المَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِشُحِيهِ . رسول الله ﷺ

(الفعل المجهول و الجار والمجرور)

٢- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلِيهِ. رسول الله ﷺ

(اسم التفضيل و المضاف إليه)

٣- أَلْعَلِمُ نَوْراً وَضِيَاءً يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِهِ. رسول الله ﷺ

(المبتدأ و الفاعل)

٤- قُلِ الْحَقُّ وَإِنْ كَانَ مُرّاً . رسول الله ﷺ

(فعل الأمر و المفعول)

٥- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كَلِّمَ مَا تَعْلَمُ. أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

(المضارع المنفي و فعل النهي)



١- فُحْشِي: كفتار و كردار زشت ٢- مُرّاً: تلخ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثْنَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / إِمْرَأَةٌ / مُعَمَّرَةٌ / مَزَارِعِ / تَلْمِيذِ / رَائِحَةٌ
حَاسِبٍ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِغْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / كِبَائِرِ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١) كرامی داشتن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢) كهنسال
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٣) ستیز می کند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٤) یاد دادن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٥) کشاورز
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٦) جشن ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٧) دانش آموز
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٨) زن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٩) بو
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٠) دو هزار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١١) گردباد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٢) گناهان بزرگ
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٣) میدان ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٤) دوپست
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٥) فیلم ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٦) رایانه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٧) دستبند ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٨) فرزندان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٩) شکوفه ها

قال رسول الله ﷺ :

« »

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثْنَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / إِمْرَأَةٌ / مُعَمَّرَةٌ / مَوَاقِفِ / تَلْمِيذِ / رَائِحَةٌ
حَاسِبٍ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِغْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / مُرَابِيعِ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١) كرامی داشتن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٢) كهنسال
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٣) ستیز می کند
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٤) یاد دادن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٥) ایستگاه ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٦) جشن ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٧) دانش آموز
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٨) زن
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(٩) بو
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٠) دو هزار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١١) گردباد
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٢) خبرنگار
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٣) میدان ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٤) دوپست
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٥) فیلم ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٦) رایانه
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٧) دستبند ها
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٨) فرزندان
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	(١٩) شکوفه ها

قال رسول الله ﷺ :

« »

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- الْقِشْر □ اللَّب □ النَّوَى □ الْغِاز □
- ٢- الْيَد □ الرَّأْس □ الْقَدَم □ السِّيَاح □
- ٣- الْإِثْم □ الذَّنْب □ الْحِصَّة □ الْخَطِيئَةُ □
- ٤- الثُّغْلَب □ الْكَلْب □ اللَّيْن □ الذُّئْب □
- ٥- الرُّيُوت □ المُّزَارِع □ الْعَامِل □ المُّوْظَف □
- ٦- السَّرْوَال □ الْقَمِيص □ الْفُسْتَان □ السَّمَك □

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّم الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- سافرتُ إلى قريّةٍ شاهدتُ صورتها أيّامَ صغري. (المجرور بحرف جرّ والمفعول)
- ٢- عصفت رياحٌ شديدةٌ حرّبتُ بيتاً جنبَ شاطئِ البحرِ. (المتفعول و المضاف إليه)
- ٣- وجدتُ برنامجاً يُساعدني على تعلّم العرَبِيَّة. (المتفعول و المضاف إليه)
- ٤- الكتابُ صديقٌ يُنقِذُكَ من مُصيبةِ الجهلِ. (المبتدأ و الخبر)
- ٥- يُعجِبُنِي عيدٌ يُفرَحُ فيه الفقراءُ. (الجمع المكسر و نون الوقاية)

١- برنامج: برنام

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنْ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

- ١- الْقِشْر □ اللَّب □ النَّوَى □ السَّعْر □
- ٢- الْيَد □ الرَّأْس □ الْقَدَم □ السِّيَاح □
- ٣- الْإِثْم □ الذَّنْب □ الْحَكْم □ الْخَطِيئَةُ □
- ٤- الثُّغْلَب □ الْكَلْب □ اللَّيْن □ الذُّئْب □
- ٥- الرُّيُوت □ المُّدْرَب □ الْعَامِل □ المُّوْظَف □
- ٦- السَّرْوَال □ الْقَمِيص □ الْفُسْتَان □ السَّمَك □

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرَجِّم الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

- ١- سافرتُ إلى قريّةٍ شاهدتُ صورتها أيّامَ صغري. (المجرور بحرف جرّ والمفعول)
- ٢- عصفت رياحٌ شديدةٌ حرّبتُ بيتاً جنبَ شاطئِ البحرِ. (المتفعول و المضاف إليه)
- ٣- وجدتُ برنامجاً يُساعدني على تعلّم العرَبِيَّة. (المتفعول و المضاف إليه)
- ٤- الكتابُ صديقٌ يُنقِذُكَ من مُصيبةِ الجهلِ. (المبتدأ و الخبر)
- ٥- يُعجِبُنِي عيدٌ يُفرَحُ فيه الفقراءُ. (الجمع المكسر و نون الوقاية)

١- برنامج: برنام

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ التَّبِيْثَ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالآيَةِ أَوْ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» الخبرات: ۱۱

۲- عَوَّذُ لِسَانِكَ لِيَسِّنَ الْكَلَامَ. (الإمام علي عليه السلام)

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْتُمْ تَسَلَّمْتُمْ مِنَ الرَّزْلِ. (الإمام علي عليه السلام)

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (الإمام علي عليه السلام)

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا؛ فَإِنَّ التَّمْرَةَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. (الإمام علي عليه السلام)

(الف) تا مرد سخن نگفته باشد عیب و بهزش نرفته باشد (صدی شبرزی)

(ب) سخن کلان از سرانیدش ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (تکلی کبزی)

(ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به موی کشتی (صدی شبرزی)

(د) خلائق را به القابی که زشت است نخواهد حرکت او نیکو سرشت است (صدی ابن نضای)

(ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشانده است (مقال و بکر جلد ۱)

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ التَّبِيْثَ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالآيَةِ أَوْ الْحَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

۱- «وَلَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ» الخبرات: ۱۱

۲- عَوَّذُ لِسَانِكَ لِيَسِّنَ الْكَلَامَ. (الإمام علي عليه السلام)

۳- فَكَّرْتُمْ تَكَلَّمْتُمْ تَسَلَّمْتُمْ مِنَ الرَّزْلِ. (الإمام علي عليه السلام)

۴- أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (الإمام علي عليه السلام)

۵- تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا؛ فَإِنَّ التَّمْرَةَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. (الإمام علي عليه السلام)

(الف) تا مرد سخن نگفته باشد عیب و بهزش نرفته باشد (صدی شبرزی)

(ب) سخن کلان از سرانیدش ناید نوشتن را و گفتن را نشاید (تکلی کبزی)

(ج) به شیرین زبانی و لطف و خوشی توانی که پیلی به موی کشتی (صدی شبرزی)

(د) خلائق را به القابی که زشت است نخواهد حرکت او نیکو سرشت است (صدی ابن نضای)

(ه) آن کس که به عیب خلق پرداخته است زان است که عیب خویش نشانده است (مقال و بکر جلد ۱)

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

رياح	زُيوت	أَساور	ساحات	أولياء	مَوَاضِع
نُصوص	تُهَم	آداب	مُخاطِبين	عُقول	أَقوال

التمرين الثامن: ضع المرادفات و المضادات في الفراغ المناسب. (= ≠)

إمتلاً / شاطن / مزارع / إثم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلم / ترفع / سديد / مؤدّة

فلاح =	فَرغ ≠	ذئب =	ساجل =
تكريم =	كبر ≠	مستور =	سكت ≠
حب =	نور =	صحيح =	تنزل ≠

التمرين السابع: اكتب مفرد الكلمات التالية.

رياح	زُيوت	أَساور	ساحات	أولياء	مَوَاضِع
نُصوص	تُهَم	آداب	مُخاطِبين	عُقول	أَقوال

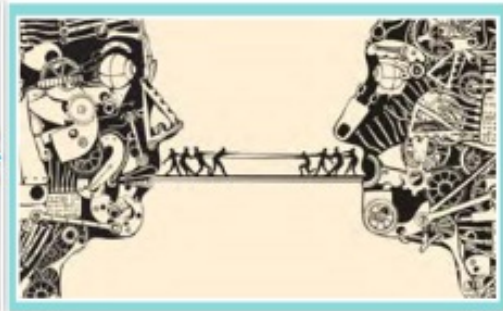
التمرين الثامن: ضع المرادفات و المضادات في الفراغ المناسب. (= ≠)

لين / شاطن / جزيل / إثم / صغر / تبجيل / ضياء / مخبوء / كلم / ترفع / سديد / مؤدّة

كثير =	خين ≠	ذئب =	ساجل =
تكريم =	كبر ≠	مستور =	سكت ≠
حب =	نور =	صحيح =	تنزل ≠

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...﴾ الأنعام: ١٢٢

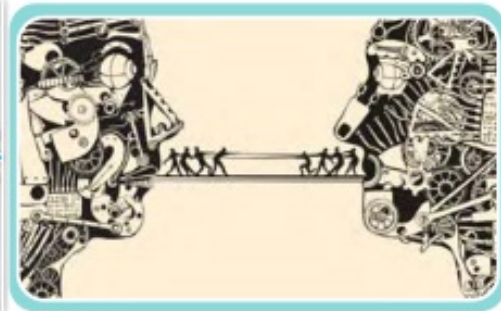
﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى...﴾ الأحقاف: ٣٠

﴿... وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...﴾ الأنبياء: ٧٣

- ١.....
- ٢.....
- ٣.....
- ٤.....
- ٥.....

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اِبْحَثْ عَنْ خَمْسِ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.



﴿... وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ...﴾ الأنعام: ١٢٢

﴿... إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى...﴾ الأحقاف: ٣٠

﴿... وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...﴾ الأنبياء: ٧٣

- ١.....
- ٢.....
- ٣.....
- ٤.....
- ٥.....



(للتّمرين في المَنزِل) اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ.



١- الثعلب ٢- الفرس ٣- الذئب ٤- الكلب



١- المفتاح ٢- الشبورة ٣- المشكاة ٤- الميزان



١- الرمان ٢- العنب ٣- التفاح ٤- التمر



١- الرّجاجة ٢- المصباح ٣- الكرة ٤- السّوار



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَر: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی نمی کند.



﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾

الزُّمَر: ٣

بی گمان خدا کسی را که دروغگو و بسیار کافر است راهنمایی نمی کند.

الدُّرُسُ الْخَامِسُ

الْكَذِبُ



الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إلى رَسُوْلِ اللهِ ﷺ فقال: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إلى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ نَدَبَكَ إلى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ

بِحَسَنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنَّ

هَرَبَتَكَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَجِّهُ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إلى الْكَذِبِ عِدَّةَ

مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَّبِعُ كِذْبُكَ لِلآخَرِينَ، فَتَتَمَشَّلْ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيْرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيْجَةَ الْكَذِبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيْبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَاتَّصَلُوا بِالْأَسَاتِذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ

الدُّرُسُ الْخَامِسُ

الْكَذِبُ



الْكَذِبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

جاءَ رَجُلٌ إلى رَسُوْلِ اللهِ ﷺ فقال: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

فَقَالَ ﷺ: لَا تَكْذِبْ.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إلى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ نَدَبَكَ إلى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ

بِحَسَنِ أَعْمَالِهِ.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَ مَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ،

وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا.

فَإِنَّ هَرَبَتَكَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تُوَجِّهُ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً،

وَ تُضْطَرُّ إلى الْكَذِبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ،

وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَّبِعُ كِذْبُكَ لِلآخَرِينَ،

فَتَتَمَشَّلْ فِي حَيَاتِكَ.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيْرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيْجَةَ الْكَذِبِ:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيْبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ،

سَيَارَتَنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارًا اخْتِيَاظِي، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ، وَ نَحْنُ
الآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الحُضُورَ فِي الإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ
المُحَدَّدِ.

وَافَقَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ لَهُمُ الإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرِحَ الطُّلَابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ حُطَّتْ لَهُمْ
لِتَأْجِيلِ الإِمْتِحَانِ نَجَاحًا.

فِي الأُسْبُوعِ التَّالِيِ حَضَرُوا لِالإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ المُحَدَّدِ، وَ طَلَبَ الأُسْتَاذُ مِنْهُمْ
أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الإِمْتِحَانِ، ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ الإِمْتِحَانِ.



فَاتَّصَلُوا بِالأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ:
أَخَذَ إِطَارَاتِ سَيَارَتَنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارًا اخْتِيَاظِي،
وَ لَا تَوْجَدُ سَيَارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ،
وَ نَحْنُ الآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ،
وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الحُضُورَ فِي الإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ المُحَدَّدِ.
وَافَقَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجَّلَ لَهُمُ الإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ،
فَفَرِحَ الطُّلَابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ حُطَّتْ لَهُمْ لِتَأْجِيلِ الإِمْتِحَانِ نَجَاحًا.
فِي الأُسْبُوعِ التَّالِيِ حَضَرُوا لِالإِمْتِحَانِ فِي الوَقْتِ المُحَدَّدِ،
وَ طَلَبَ الأُسْتَاذُ مِنْهُمْ أَنْ يَجْلِسُوا فِي قَاعَةِ الإِمْتِحَانِ،
ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ الإِمْتِحَانِ.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

- ١ لِمَاذَا انْفَجَرَ الإِطَارُ؟
- ٢ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
- ٣ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
- ٤ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
- ٥ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَجْلُوا مُشِكَلَتِكُمْ؟
- ٦ كَمِ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الإِطَارِ؟
- ٧ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
- ٨ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فَعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَقَالَ:

مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجُحُ. عَاهَدَ الطُّلَابُ أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَقَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:
تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نُنْسَاهُ أَبَدًا.



لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هَكَذَا:

١	لِمَاذَا انْفَجَرَ الإِطَارُ؟
٢	أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟
٣	فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟
٤	مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟
٥	كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَجْلُوا مُشِكَلَتِكُمْ؟
٦	كَمِ كَانَتِ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الإِطَارِ؟
٧	مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟
٨	هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟

خَجَلَ الطُّلَابُ وَنَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فَعْلِهِمْ،

نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَقَالَ:

مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجُحُ.

عَاهَدَ الطُّلَابُ أَسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا،

وَقَالُوا لَهُ نَادِمِينَ:

تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نُنْسَاهُ أَبَدًا.



ساقی : رانندگی کرد (مضارع: یَسوقُ)	أَجَلَ : به تأخیر انداخت
صُعوبَة : سختی ≠ سهولَة	(مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأجِيلُ) = أَخَّرَ
ضَمِنَ : ضمانت کرد	إِضْطَرَّ : ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ)
(مضارع: يَضْمَنُ)	تَضَطَّرَّ : ناگزیر می‌شود
عَاهَدَ : پیمان بست	إِطَارَ : تایر، چارچوب
(مضارع: يُعَاهِدُ)	إِطَارَ اخْتِطَاطِيَّ : چرخ بدکی
عَدَّةٌ : چند	تَبَيَّنَ : آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)
فَشِلَّ : شکست خورد	خَطَّطَ : نقشه، برنامه «جمع: خُطَطٌ»
(مضارع: يَفْشَلُ)	زَاوِيَةٌ : گوشه «جمع: زَوَايَا»
قَرَّرَ : قرار گذاشت	
(مضارع: يَقْرُرُ)	
كُنَّ : باش	
لُنَّ : حرف نشانه آینده منفی	
مُخَدَّدٌ : مشخص شده	
مَقَالٌ : گفتار = قَوْلٌ، گلام	
تَدَبَّ : فرا خواند (مضارع: يَتَدَبُّ)	
وَاجَةٌ : روبه‌رو شد (مضارع: يُوَاجَهُ)	
وَزَعٌ : پخش کرد (مضارع: يُوزَعُ)	

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وافقَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجِّلَ الإِمْتِحَانَ لِلطُّلَّابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

۲- ماذا قالَ الرَّجُلُ لِرَسولِ اللَّهِ ﷺ حينَ جاءَ إليه؟

۳- ما قالَ الطُّلَّابُ لِأُسْتَاذِهِم نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قالَ «مَنْ يَكْذِبُ لا يَنْجَحُ»؟

۵- كيفَ اتَّصَلَ الطُّلَّابُ بِالأُسْتَاذِ؟

۶- لماذا فَرَحَ الطُّلَّابُ؟

المُعْجَم

به تأخیر انداخت (مضارع: يُؤَجِّلُ/مصدر: تَأجِيلُ) = أَخَّرَ	عَاهَدَ	پیمان بست (مضارع: يُعَاهِدُ)
ناگزیر کرد (مضارع: يَضْطَرُّ)	عِدَّةٌ	چند
تَضَطَّرَّ : ناگزیر می‌شود	فَشِلَّ	شکست خورد (مضارع: يَفْشَلُ)
تایر، چارچوب	قَرَّرَ	قرار گذاشت (مضارع: يَقْرُرُ)
چرخ بدکی	كُنَّ	باش
آشکار شد (مضارع: يَتَبَيَّنُ)	لُنَّ	حرف نشانه آینده منفی
نقشه، برنامه «جمع: خُطَطٌ»	مُخَدَّدٌ	مشخص شده
گوشه «جمع: زَوَايَا»	مَقَالٌ	گفتار = قَوْلٌ، گلام
رانندگی کرد (مضارع: يَسوقُ)	تَدَبَّ	فرا خواند (مضارع: يَتَدَبُّ)
سختی ≠ سهولَة	وَاجَةٌ	روبه‌رو شد (مضارع: يُوَاجَهُ)
ضمانت کرد (مضارع: يَضْمَنُ)	وَزَعٌ	پخش کرد (مضارع: يُوزَعُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

۱- هَلْ وافقَ الأُسْتَاذُ أَنْ يُؤَجِّلَ الإِمْتِحَانَ لِلطُّلَّابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ؟

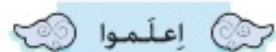
۲- ماذا قالَ الرَّجُلُ لِرَسولِ اللَّهِ ﷺ حينَ جاءَ إليه؟

۳- ما قالَ الطُّلَّابُ لِأُسْتَاذِهِم نَادِمِينَ؟

۴- مَنْ قالَ «مَنْ يَكْذِبُ لا يَنْجَحُ»؟

۵- كيفَ اتَّصَلَ الطُّلَّابُ بِالأُسْتَاذِ؟

۶- لماذا فَرَحَ الطُّلَّابُ؟



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: كه» و «ي، لَ، لَگي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می‌آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می‌کنند؛ فعل‌هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می‌شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می‌کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می‌کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می‌شوید	لَگي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می‌دهد	لِیَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می‌روند	گي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:
تَنَالُونَ: دست می‌یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

این حروف در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می‌کنند.

۱- این حروف با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ لذا خوب است بدانید این حروف (که حروف ناصبه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و تَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. «... يَفْعَلُ... تَفْعَلُ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ»

و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.



تَرْجَمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۱)

■ حروف «أَنْ: كه» و «ي، لَ، لَگي، حَتَّى: تا، برای اینکه» بر سر فعل مضارع می‌آیند و در معنای آن تغییر ایجاد می‌کنند؛ فعل‌هایی که دارای این حروف اند، در فارسی «مضارع التزامی» ترجمه می‌شوند؛ مثال:

يَحْكُمُ: داوری می‌کند	حَتَّى يَحْكُمَ: تا داوری کند
يُحَاوِلُونَ: تلاش می‌کنند	أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش کنند
تَفْرَحُونَ: شاد می‌شوید	لَگي تَفْرَحُوا: تا شاد شوید
يَجْعَلُ: قرار می‌دهد	لِیَجْعَلَ: تا قرار بدهد
يَذْهَبْنَ: می‌روند	گي يَذْهَبْنَ: تا بروند

■ فعل مضارع دارای «لَنْ» معادل «آینده منفی» در زبان فارسی است؛ مثال:
تَنَالُونَ: دست می‌یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

۱- این حروف که حروف ناصبه نام دارند در انتهای فعل مضارع تغییراتی را ایجاد می‌کنند. از همین رو نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و تَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند.

«... يَفْعَلُ... تَفْعَلُ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ»

و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْخَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَ الْخَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمُضَارِعَةَ.

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ البقرة: ٢١٦

١ ﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ﴾ البقرة: ٢١٦

٢ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ...﴾ البقرة: ٢٥٤

٢ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةِ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةَ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمَ بِمَا لَا يَعْلَمُ.

الإمام الصادق عليه السلام

٣ مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةِ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةَ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ وَالْحُكْمَ بِمَا لَا يَعْلَمُ.

الإمام الصادق عليه السلام

٣ ﴿... أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ...﴾ البقرة: ٢٥٤



٢- مُعَارَضَةٌ: مَخَالَفَةٌ

٢- خَلَّةٌ: دُوسِي

١- رَزَقٌ: رُزْقِي دَاد

٢- خَلَّةٌ: دُوسِي

٢- رَزَقٌ: رُزْقِي دَاد

١- مُعَارَضَةٌ: مَخَالَفَةٌ

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في الصيدليّة)

أصيدليّ	أحاج
أعطني الوصفة: محراراً، حبوب مسكنة للصداع، حبوب مهدئة، كبسول أميسيلين، فطن طبيّ، مرهم لحساسية الجلد... لا بأس، ولكن لا أعطيك أميسيلين.	عفواً، ما عندي وصفة وأريد هذه الأدوية المكتوبة على الوصفة.
لأنّ يتبعها بدون وصفة غير مسموح. لمن تشتري هذه الأدوية؟	لماذا لا تعطيني؟
رجاءً، راجع الطبيب؛ الشفاء من الله.	أشترىها بزملائي في القافلة يا خصرة الصيدليّ.



- ١- الصيدليّة: داروخانه
- ٢- الأدوية: داروها، مفرد: الدواء
- ٣- المحرار: دمانج
- ٤- الفطن: بنه
- ٥- مرهم: پماد
- ٦- الجلد: پوست
- ٧- خصرة الصيدليّ: جناب داروخانه دار
- ٨- راجع: مراجعه كن

■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(في الصيدليّة)

أصيدليّ	أحاج
وعلّيكُم السلام أعطني الوصفة: محراراً، حبوب مسكنة للصداع، حبوب مهدئة، كبسول أميسيلين، فطن طبيّ، مرهم لحساسية الجلد... لا بأس، ولكن لا أعطيك أميسيلين.	سلام عليكم عفواً، ما عندي وصفة وأريد هذه الأدوية المكتوبة على الوصفة.
لأنّ يتبعها بدون وصفة غير مسموح. رجاءً، راجع الطبيب؛ الشفاء من الله.	لماذا لا تعطيني؟



- ١- الصيدليّة: داروخانه
- ٢- الأدوية: داروها، مفرد: الدواء
- ٣- المحرار: دمانج
- ٤- الفطن: بنه
- ٥- مرهم: پماد
- ٦- الجلد: پوست
- ٧- راجع: مراجعه كن

التمارين

التمرين الأول: أي فعلٍ من أفعالٍ مُعْجَمِ الدرسِ يُناسِبُ التوضيحاتِ التالية؟

١- شاهدَ وَجْهًا لِيُوجِهُ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَغْتَبِرُوا بِضَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ ... وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صَلَاتِهِمُ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ. (إمام الصادق عليه السلام) (فعل الأمر، و فعل النهي)

٢- لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقْرَبُ عَلَيْكَ التَّبَعِدُ وَيَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقُرْبَ.

أمر المؤمن علي عليه السلام (اسم المبالغة)

٣- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاخْتِيَالِهِ. أمر المؤمن علي عليه السلام (الفاعل)

٤- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أمر المؤمن علي عليه السلام (فعل النهي)

١- لَا تَغْتَبِرُوا؛ قريب لخوريد ٢- الصِّيَامُ؛ روزه ٣- لَا تَسْتَشِيرُوا؛ با ... مشورت نكن

٤- يُقْرَبُ؛ قريب من سازه ٥- يَبْعَدُ؛ دور من سازه ٦- الْإِخْتِيَالُ؛ فريبكاري

التمارين

التمرين الأول: أي فعلٍ من أفعالٍ مُعْجَمِ الدرسِ يُناسِبُ التوضيحاتِ التالية؟

١- شاهدَ وَجْهًا لِيُوجِهُ.

٢- ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا.

٣- لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ.

٤- أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا.

٥- قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ.

التمرين الثاني: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- لَا تَسْتَشِيرِ الْكَذَّابَ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقْرَبُ عَلَيْكَ التَّبَعِدُ وَيَبْعَدُ عَلَيْكَ الْقُرْبَ.

أمر المؤمن علي عليه السلام (الكلمات المتضادة و اسم المبالغة)

٢- يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصِدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاخْتِيَالِهِ. أمر المؤمن علي عليه السلام (الفاعل)

٣- لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ. أمر المؤمن علي عليه السلام (فعل النهي)

١- لَا تَسْتَشِيرُوا؛ با ... مشورت نكن

٢- يُقْرَبُ؛ قريب من سازه

٤- الْإِخْتِيَالُ؛ فريبكاري

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- مقال غلام قَوْل إطار
 ٢- كَلَّمَ حَدَّثَ كَمَّلَ تَكَلَّمَ
 ٣- جُدَّوع تَأَجَّيَل أُنَمَّار أَعْصَان
 ٤- يَغْرِسُ يَنْبُثُ يَزْرَعُ يَخْنُقُ
 ٥- أَحْمَر أَسْوَد أَخْضَر أَكْرَم

التمرين الرابع: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الأعراف: ٨٧ (فعل الأمر)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الفتح: ١٥ (المضاف إليه)

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الأحزاب: ٤٣ (الجزء والمجرور)

٤- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ...﴾ آل عمران: ١٥٣ (الفعل الماضي)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آل عمران: ٩٢ (الفعل المضارع)

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لكي+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التمرين الثالث: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- ١- مقال غلام قَوْل إطار
 ٢- كَلَّمَ حَدَّثَ كَمَّلَ تَكَلَّمَ
 ٣- جُدَّوع تَأَجَّيَل أُنَمَّار أَعْصَان
 ٤- يَغْرِسُ يَنْبُثُ يَزْرَعُ يَنْدُبُ
 ٥- أَحْمَر أَسْوَد أَخْضَر أَكْرَم

التمرين الرابع: تَرْجِمِ الْآيَاتِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

١- ﴿...فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...﴾ الأعراف: ٨٧ (فعل الأمر)

٢- ﴿... يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ ...﴾ الفتح: ١٥ (المضاف إليه)

٣- ﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّيْ عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الأحزاب: ٤٣ (الجزء والمجرور)

٤- ﴿... لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ...﴾ آل عمران: ١٥٣ (الفعل الماضي)

٥- ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ...﴾ آل عمران: ٩٢ (الفعل المضارع)

١- يُصَلِّي: درود می فرستد ٢- لِكَيْلَا: لكي+لا ٣- فَاتَ: از دست رفت ٤- لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

التمرين الخامس: تَرجم الجُمَل التالية.

- ١- اجلس على الكرسي:
- ٢- تجلس مع زميلك:
- ٣- اضبر لحي يجلس:
- ٤- جالس خير الناس:
- ٥- لا تجلسوا هناك:
- ٦- لن يجلس هنا:
- ٧- اريد ان اجلس:
- ٨- رجعنا لنجلس:

التمرين الخامس: تَرجم الجُمَل التالية.

- ١- اجلس على الكرسي:
- ٢- تجلس مع زميلك:
- ٣- اضبر لحي يجلس:
- ٤- جالس خير الناس:
- ٥- لا تجلسوا هناك:
- ٦- لن يجلس هنا:
- ٧- اريد ان اجلس:
- ٨- رجعنا لنجلس:

التمرين السادس: اكتب مفرد الجموع التالية.

أدوية	حُطَط	أفاضل	أحياء	صعوبات
.....
أصدقاء	أساتذة	غيوب	إخوان	أعمال
.....
أسئلة	أسابيع	إجابات	طلاب	أخلاق
.....

التمرين السادس: اكتب مفرد الجموع التالية.

أدوية	حُطَط	أفاضل	أحياء	صعوبات
.....
أصدقاء	أساتذة	غيوب	إخوان	أعمال
.....
أسئلة	أسابيع	إجابات	طلاب	أخلاق
.....

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِنْحَتْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ فُجْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.



أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ إِنْحَتْ عَنْ قِصَّةٍ قَصِيرَةٍ أَوْ أَحَادِيثَ حَوْلَ فُجْحِ الْكِذْبِ وَ عَاقِبَتِهِ السَّيِّئَةِ.





تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُخَفِّهُ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیری هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.



تَعَلَّمْ كُلَّ لُغَةٍ فَتُخَفِّهُ إِلَى عَالَمٍ جَدِيدٍ.
یادگیری هر زبانی، دریچه‌ای به سوی جهانی نوین است.

الدُّرُسُ السَّادِسُ

آته ماري شيميل



تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آته ماري شيميل» من أشهر المُسْتَشْرِقِينَ.
وُلِدَتْ في «ألمانيا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ
مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ مُعْجَبَةً بِإيران. كَانَتْ عُمُرُهَا خَمْسَةَ
عَشَرَ عَاماً حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى

شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلَسْفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمُرِهَا؛
تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ دَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شيميل تَدْعُو العَالَمَ العَرَبِيَّ المَسِيحِي لِيَفْهَمَ حَقَائِقَ الدِّينِ الإِسْلَامِيِّ وَ الإِطْلَاعَ عَلَيْهِ.
وَ هَذَا العَمَلُ رَفَعَ سَائِمَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ
مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامِ آبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الفَارْسِيَّةُ وَ العَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الفَرَنْسِيَّةُ وَ
الأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تَلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الفَارْسِيَّةِ، فَهِيَ كَانَتْ مِثَالاً لِهَذِهِ العِبَارَةِ:

«الإنسان بكلِّ لسان إنسان»

أَلْقَتْ شيميل أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الأَبْلَخِي.

الدُّرُسُ السَّادِسُ

آته ماري شيميل



تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آته ماري شيميل» من أشهر المُسْتَشْرِقِينَ.
وُلِدَتْ في «ألمانيا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ
مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَ هِيَ مُعْجَبَةٌ بِإيران.
كَانَتْ عُمُرُهَا خَمْسَةَ عَشَرَ عَاماً حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ
العَرَبِيَّةِ.

حَصَلَتْ عَلَى شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفَلَسْفَةِ وَ الدِّرَاسَاتِ الإِسْلَامِيَّةِ وَ هِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ
مِنْ عُمُرِهَا؛ تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَ أَصْبَحَتْ مُدْرِسَةً فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

كَانَتْ شيميل تَدْعُو العَالَمَ العَرَبِيَّ المَسِيحِي لِيَفْهَمَ حَقَائِقَ الدِّينِ الإِسْلَامِيِّ وَ الإِطْلَاعَ عَلَيْهِ.
وَ هَذَا العَمَلُ رَفَعَ سَائِمَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الإِسْلَامِيَّةِ،

فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامِ آبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.
إِنَّمَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الفَارْسِيَّةُ وَ العَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الفَرَنْسِيَّةُ وَ الأُرْدِيَّةُ؛
وَ كَانَتْ تَلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الفَارْسِيَّةِ.

فَهِيَ كَانَتْ مِثَالاً لِهَذِهِ العِبَارَةِ:

«الإنسان بكلِّ لسان إنسان»

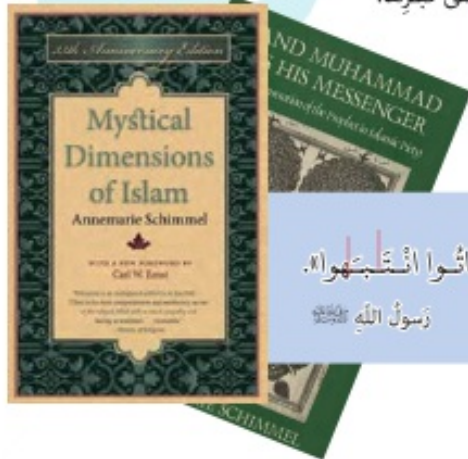
هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَبَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارَبُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ عَاماً فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمْلَاءَهَا أَنْ يُسْكَلُوا قَرِيقاً لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَالثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدُّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَالثَّفَاهُمِ بَيْنَ أُوْرُوْبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الْإِتْحَادِ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِخْدِي مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:

«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُعَ تَرْجَمَتِهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْخَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الْأَنْفَاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاثُوا انْتَبَهُوا».

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

الَّتْ شَيْمِلَ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الْبَلْخِي.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَبَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارَبُ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ عَاماً فِي جَامِعَةِ هَارْفَارْدِ.

قَبْلَ وَفَاتِهَا أَوْصَتْ شَيْمِلَ زُمْلَاءَهَا أَنْ يُسْكَلُوا قَرِيقاً لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَالثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدُّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَالثَّفَاهُمِ بَيْنَ أُوْرُوْبَا وَ الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الْإِتْحَادِ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ».

أَشَارَتْ شَيْمِلَ فِي إِخْدِي مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ قَالَتْ:

«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَ لَا أَرَا جُعَ تَرْجَمَتِهَا».

هِيَ أَوْصَتْ أَنَّهُ مَارِي أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْخَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:



«الْأَنْفَاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاثُوا انْتَبَهُوا».

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فَرْتَسِيَّةٌ : فرانسوی	حَصَلَ عَلَيَّ : به دست آورد	أُرْدِيَّةٌ : زبان اردو
قَارِبٌ : نزدیک شد	(مضارع: يَحْضُلُ)	أَشَارَ : اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)
«ما يُقَارِبُ: نزدیک به»	حَضَارَةٌ : تمدن	أَلْفَنِي : انداخت (مضارع: يُلْقِي)
مُحَاضِرَةٌ : سخنرانی	دُكْتُورَاهُ : دکتر	كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد
مَدٌّ : کشید، گسترش داد	سَكَّلٌ : تشکیل داد (مضارع: يُسَكِّلُ)	إِنْجِلِيزِيَّةٌ : انگلیسی
مُسْتَشْرِقِيٌّ : خاورشناس	شَهَادَةٌ : مدرک	أَنْقَرَةٌ : آنکارا
مُعْجَبَةٌ بِ: شيفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	عَدٌّ : به شمار آورد، شمرد	أَوْصَى : سفارش کرد (مضارع: يوصي)
مُقَابَلَةٌ : مصاحبه	(مضارع: يَعُدُّ)	ثِقَافِيٌّ : فرهنگی
مُنْدٌ : از هنگام	فَخْرِيَّةٌ : افتخاری	«ثِقَافَةٌ: فرهنگ»

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

٢- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلِ؟

٣- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلُ؟

٤- بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زَمَلَانَهَا؟

٥- أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلُ؟

أَلْمُعْجَم

مدرک	شَهَادَةٌ	زبان اردو	أُرْدِيَّةٌ
به شمار آورد، شمرد (مضارع: يَعُدُّ)	عَدٌّ	اشاره کرد (مضارع: يُشِيرُ)	أَشَارَ
افتخاری	فَخْرِيَّةٌ	انداخت (مضارع: يُلْقِي) كانت تلقي مُحَاضِرَةً: سخنرانی می کرد	أَلْفَنِي
فرانسوی	فَرَنْسِيَّةٌ	انگلیسی	إِنْجِلِيزِيَّةٌ
نزدیک شد «ما يُقَارِبُ: نزدیک به»	قَارِبٌ	آنکارا	أَنْقَرَةٌ
سخنرانی	مُحَاضِرَةٌ	سفارش کرد (مضارع: يوصي)	أَوْصَى
کشید، گسترش داد	مَدٌّ	فرهنگی «ثِقَافَةٌ: فرهنگ»	ثِقَافِيٌّ
خاورشناس	مُسْتَشْرِقِيٌّ	به دست آورد (مضارع: يَحْضُلُ)	حَصَلَ عَلَيَّ
شيفته (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ)	مُعْجَبَةٌ بِ	تمدن	حَضَارَةٌ
مصاحبه	مُقَابَلَةٌ	دکتر	دُكْتُورَاهُ
از هنگام	مُنْدٌ	تشکیل داد (مضارع: يُسَكِّلُ)	سَكَّلٌ

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

١- بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

٢- أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلِ؟

اعلموا

تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ ، لَمْ ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

يَسْمَعُ: می‌شنود	لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است
تَذْهَبُونَ: می‌روید	لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید
تَكْتُبْنَ: می‌نویسید	لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید

- حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

تَرْجِعُ: برمی‌گردیم	لَنْ تَرْجِعَ: باید برگردیم
يَعْلَمُونَ: می‌دانند	لَنْ يَعْلَمُوا: باید بدانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لَا» «نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

تَيْبَسُ: ناامید می‌شوی	لَا تَيْبَسْ: ناامید نشو
تُرْسِلُونَ: می‌فرستید	لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

- همین حرف «لَا» «نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید» و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند	لَا يُسَافِرُوا: نباید سفر کنند
---------------------------	---------------------------------

- حروف «لَمْ ، لَمْ ، لا» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه‌ی انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، تَفْعَلُ، أَفْعَلُ و نَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. به «... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... نَفْعَلُ» و حرف نون در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ، تَفْعَلُونَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند. این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

۳- كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَقْتُ شَيْمِل؟

۴- بِمَاذَا أُوصِتَ شَيْمِل زُمَّلَاءَهَا؟

۵- أَيْنَ وُلِدْتُ شَيْمِل؟

اعلموا

تَرْجِمَةُ الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ (۲)

- حروف «لَمْ ، لَمْ ، لا» بر سر فعل‌های مضارع می‌آیند و معنای آن را تغییر می‌دهند.
- حرف «لَمْ» فعل مضارع را به «ماضی ساده منفی» یا «ماضی نقلی منفی» تبدیل می‌کند؛ مثال:

يَسْمَعُ: می‌شنود	لَمْ يَسْمَعْ: نشنید، نشنیده است
تَذْهَبُونَ: می‌روید	لَمْ تَذْهَبُوا: نرفتید، نرفته‌اید
تَكْتُبْنَ: می‌نویسید	لَمْ تَكْتُبْنَ: ننوشتید، ننوخته‌اید

- حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع به معنای «باید» است و چنین فعلی معادل «مضارع التزامی» در فارسی می‌باشد؛ مثال:

تَرْجِعُ: برمی‌گردیم	لَنْ تَرْجِعَ: باید برگردیم
يَعْلَمُونَ: می‌دانند	لَنْ يَعْلَمُوا: باید بدانند

- در کتاب عربی پایه نهم با حرف «لَا» «نهی» بر سر فعل مضارع مخاطب (دوم شخص) آشنا شدید؛ مثال:

تَيْبَسُ: ناامید می‌شوی	لَا تَيْبَسْ: ناامید نشو
تُرْسِلُونَ: می‌فرستید	لَا تُرْسِلُوا: نفرستید

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

۱ «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» التَّوْبَةُ: ٤٠

۲ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» الرَّعْدُ: ١١

۳ ... لَا تُظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَخْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. (إمام علي عليه السلام)

چند نکته:

■ نکته (۱): فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲): ترجمه فعلی مانند «لِيَتَعَلَّمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِيَتَعَلَّمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَ تُسَاعِدُ الطُّلَّابَ لِيَتَعَلَّمُوا دُرُوسَهُمْ فَلِيَتَعَلَّمُوا ذَلِكَ وَ عَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس هایشان کمک می‌کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن ترسند.

■ نکته (۳): حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لِ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لُهُمَا، لَكَ، لَكِ، لَكُمْ، لَكُنَّ، لَكُمَا، لَنَا.

در «لی» این گونه نیست.

همین حرف «لای نهی» اگر بر سر سایر ساخت‌های فعل مضارع بیاید، به معنای «نباید»

و معادل «مضارع التزامی» منفی در فارسی است؛ مثال:

يُسَافِرُونَ: سفر می‌کنند لَا يُسَافِرُوا: نباید سفر کنند

■ حروف «لَمْ، لَمْ، لَمْ، لَمْ» در انتهای فعل مضارع تغییراتی ایجاد می‌کنند.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْآيَتَيْنِ وَالْحَدِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ.

۱ «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» التَّوْبَةُ: ٤٠

۲ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» الرَّعْدُ: ١١

۳ ... لَا تُظْلِمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ وَأَخْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ. (إمام علي عليه السلام)

چند نکته:

■ نکته (۱): فعل نهی همان فعل مضارع است.

■ نکته (۲): ترجمه فعلی مانند «لِيَتَعَلَّمُوا» فقط در جمله و در متن امکان پذیر است؛

۱- آشنایی با این تغییرات از اهداف آموزشی کتاب نیست؛ اما خوب است بدانید این حروف (که حروف جازمه نام دارند)، نشانه انتهای فعل‌های «يَفْعَلُ، يَفْعَلُ، أَفْعَلُ و تَفْعَلُ» را تغییر می‌دهند. جـ ... يَفْعَلُ، ... تَفْعَلُ، ... أَفْعَلُ و ... تَفْعَلُ و حرف نون را در انتهای فعل‌های «يَفْعَلُونَ، يَفْعَلِينَ، تَفْعَلُونَ، تَفْعَلِينَ و تَفْعَلِينَ» حذف می‌کنند.

این حروف در شکل ظاهر دو فعل جمع مؤنث «يَفْعَلْنَ» و «تَفْعَلْنَ» هیچ تغییری ایجاد نمی‌کنند.

مثال:

تَكَلَّمْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي لِتَعَلَّمُوا كَيْفَ يُمَكِّنُ لَهُمْ أَنْ يَنْجَحُوا فِي بَرَامِجِهِمْ.

با دوستانم سخن گفتم تا بدانند چگونه برایشان امکان دارد که در برنامه‌هایشان موفق شوند.

قَالَ الْمُدِيرُ: إِنَّ الْإِمْتِحَانَ تَسَاعِدُ الطَّلَابَ لِيَتَعَلَّمُوا دُرُوسَهُمْ فَلْيَتَعَلَّمُوا ذَلِكَ وَعَلَيْهِمْ أَنْ

لَا يَخَافُوا مِنْهَا.

مدیر گفت: آزمون‌ها دانش‌آموزان را برای یادگیری درس‌هایشان کمک می‌کند و باید این را

بدانند و بر آنان لازم است که از آن نترسند.

■ نکته (۳): حرف «لِ» بر سر ضمیرها به «لَ» تبدیل می‌شود؛ مثال:

لَهُ، لَهَا، لَهُمْ، لِهِنَّ، لُهُمَا، لَكَ، لِكُمْ، لَكُنَّ، لَكُمَا، لَنَا.

در «لی» این گونه نیست.

■ نکته (۴): تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم

محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط

داخل متن امکان دارد:

۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»

«لِ» به معنای «برای» مانند «إِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».

«لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسُوبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».

۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».

«لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيئَهُ لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه

رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، فَ» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:

فَ + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

■ نکته (۴): تاکنون با دو نوع حرف «لِ» آشنا شده‌اید، یکی بر سر اسم (ضمیر نیز اسم

محسوب می‌شود) و دیگری بر سر فعل مضارع می‌آید؛ تشخیص معنای هر یک فقط

داخل متن امکان دارد:

۱- «لِ» به معنای «مال، از آن» مانند «لِمَنْ تِلْكَ الشَّرِيحَةُ؟»؛ یعنی «آن سیم‌کارت مال کیست؟»

«لِ» به معنای «برای» مانند «إِشْتَرَيْتُ حَقِيبَةً لِلسَّفَرِ»؛ یعنی «چمدانی برای سفر خریدم».

«لِ» به معنای «داشتن» مانند «لِي شَهَادَةٌ فِي الْحَاسُوبِ»؛ یعنی «مدرک رایانه دارم».

۲- «لِ» به معنای «باید» مانند «لِيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ»؛ یعنی «باید به خدا توکل کنیم».

«لِ» به معنای «تا» مانند «ذَهَبْتُ إِلَى الْمَتَجَرِّ لِأَشْتَرِيَ بَطَارِيئَهُ لِجَوَالِي»؛ یعنی «به مغازه

رفتم تا باتری برای تلفن همراهم بخرم».

حرف «لِ» پس از حرف‌هایی مانند «و، فَ» معمولاً ساکن می‌شود؛ مثال:

فَ + لِ + يَعْمَلُ = فَلْيَعْمَلْ: پس باید انجام دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ.

۱ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» الفاتحة: ۲

۲ بُعِثَ النَّبِيُّ ﷺ لِيَهْدِيَ النَّاسَ.

۳ لِيَسْتَمِعْ إِلَى الْكَلَامِ الْحَقِّ.

۴ لِمَنْ هَذِهِ الْجَوَازَاتُ؟

التمارين

التمرين الأول: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من كلمات معجم الدرس.

- ١- كانت شيمل منذ طفولتها مشتاقة إلى كل ما يتعلّق بالشرق و بإيران.
- ٢- الدكتوراه هي شهادة تُعطى لشخص تقديراً لجهوده في مجالٍ مُعيّن.
- ٣- إن ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول.
- ٤- الشعبُ الباكستاني يتكلّم باللّغة
- ٥- اللّغة الرّسميّة في بريطانيا

التمرين الثاني: عيّن الكلمة التي لا تناسب الكلمات الأخرى.

- ١- الأسبوع الشهر الثقافة السنّة
- ٢- الأردية الإنجليزية الفرنسيّة الفخرية
- ٣- الرّميل القميص الصديق الحبيب
- ٤- القرية المدينة البلاد النيام
- ٥- الشهادة الطفولة الصّغر الكبّر
- ٦- القط الرّمان التفاح العنب

اختر نفسك: ترجم العبارات التالية حسب القواعد.

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ الفاتحة: ٢

٢- بعث النبي ﷺ ليهدّي الناس.

٣- لتستمع إلى الكلام الحق.

٤- لمن هذه الجوازات؟

التمارين

التمرين الأول: ضع في الفراغ كلمة مناسبة من كلمات معجم الدرس.

- ١- كانت شيمل منذ طفولتها مشتاقة إلى كل ما يتعلّق بالشرق و بإيران.
- ٢- الدكتوراه هي شهادة تُعطى لشخص تقديراً لجهوده في مجالٍ مُعيّن.
- ٣- إن ثاني أكبر مدينة في تركيا بعد إسطنبول.
- ٤- الشعبُ الباكستاني يتكلّم باللّغة
- ٥- اللّغة الرّسميّة في بريطانيا

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: إِقْرَأِ الآيَاتِ الثَّالِثَةَ، ثُمَّ انْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ قَلْبِي تَوَكَّلُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الخبرات: ۱۴

بادیه‌نشینان گفتند: ...

- الف) ... «ایمان می‌آوریم.» بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم.»
- ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.»

۳- ﴿أَمْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزمر: ۵۲

- الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟
- ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سورة الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.
- ب) ... نزاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است.

۱- أسلمت: اسلام آورد ۲- الضمفد: بی‌نیاز ۳- وُلد: زاید (مضارع: يولد) ۴- الكفو: هم‌تا

التَّمْرِينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الكَلِمَاتِ الأُخْرَى.

- ۱- الأسبوع الشهر الثقافة السنة
- ۲- الأزدية الإنجليزية الفرنسية الفخرية
- ۳- الرميل القميص الصديق الحبيب
- ۴- القرية المدينة البلاد التيام
- ۵- الشهادة الطفولة الصغر الكبر
- ۶- القبط الرمان التفاح العنب

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: إِقْرَأِ الآيَاتِ الثَّالِثَةَ، ثُمَّ انْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.

۱- ﴿... عَلَى اللَّهِ قَلْبِي تَوَكَّلُ الْمُؤْمِنُونَ﴾ آل عمران: ۱۲۲

- الف) مؤمنان تنها باید بر خدا توکل کنند.
- ب) مؤمنان فقط به خدا توکل می‌کنند.

۲- ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا...﴾ الخبرات: ۱۴

بادیه‌نشینان گفتند: ...

- الف) ... «ایمان می‌آوریم.» بگو: «ایمان نمی‌آورید؛ بلکه بگویید: در سلامت می‌مانیم.»
- ب) ... «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید؛ بلکه بگویید: اسلام آوردیم.»

۱- أسلمت: اسلام آورد

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

سورة قُرَيْش

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



۳- ﴿أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَنْزِلُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...﴾ الزمر: ۵۲

- الف) آیا ندانسته‌اند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، می‌گستراند؟
- ب) آیا نمی‌دانند که خدا روزی را برای هرکس بخواهد، فراوان می‌کند؟

۴- ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ * اللَّهُ الصَّمَدُ * لَمْ يَلِدْ * وَ لَمْ يُولَدْ * وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

سورة الإخلاص

بگو: او خداوند یکتاست، خدا بی‌نیاز است ...

- الف) ... نمی‌زاید و زاده نمی‌شود و کسی همانندش نیست.
- ب) ... زاده و زاده نشده و کسی برایش هم‌تا نبوده است.

۵- ﴿... فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾

سورة قُرَيْش

پس پروردگار این خانه را...

- الف) ... می‌پرستند؛ زیرا در گرسنگی خوراکشان داد و از ترس [دشمن] در امان نهاد.
- ب) ... باید بپرستند، همان که در گرسنگی خوراکشان داد و از بیم [دشمن] ایمنشان کرد.



- ۱- الصَّمَدُ: بی‌نیاز
۲- وَلَمْ يُولَدْ: زاید (مضارع: يَلِدُ)
۳- الْكُفُو: هم‌تا
۴- أَطْعَمَ: خوراک داد
۵- الْجُوع: گرسنگی
۶- آمَنَ: ایمن کرد، ایمن آورد

- ۱- أَطْعَمَ: خوراک داد
۲- الْجُوع: گرسنگی
۳- آمَنَ: ایمن کرد، ایمن آورد

التمرين الرابع: ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدِيمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ مِهْرَجَانًا حَضَارَةً
- ٢- أَسَاتذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل. أَشَارَ أَنَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةُ الْتِقَافَةُ
- ٤- أَلْقَى أَسَاتذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل. مُحَاضَرَةً مُسَجَّلًا
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الرُّمَيْلُ الْمِضْيَافُ

التمرين الخامس: اِنتخبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَتَأَسَّ كَي تَتَأَسَّ لَا تَتَأَسَّ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ المَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرَ لِكَي أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سَوَاقِ الحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبَ إِنْ أُذْهَبَ
- ٤- هُوَ إِلَى المَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ مَا رَجَعَ لَمْ يَرْجِعَ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ

التمرين الرابع: ضع في الفراغ كلمة مناسبة.

- ١- تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقْدِيمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَ الصَّنَاعَةِ وَ الْأَدَبِ مِهْرَجَانًا حَضَارَةً
- ٢- أَسَاتذُ الْجَامِعَةِ فِي حَدِيثِهِ إِلَى فَضَائِلِ أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل. أَشَارَ أَنَارَ
- ٣- هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. الشَّهَادَةُ الْتِقَافَةُ
- ٤- أَلْقَى أَسَاتذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِل. مُحَاضَرَةً مُسَجَّلًا
- ٥- هُوَ الشَّخْصُ الَّذِي يَعْمَلُ مَعَكَ. الرُّمَيْلُ الْمِضْيَافُ

التمرين الخامس: اِنتخبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- عَلَيْكَ بِالمُحَاوَلَةِ، وَ فِي حَيَاتِكَ. أَنْ تَتَأَسَّ كَي تَتَأَسَّ لَا تَتَأَسَّ
- ٢- أَنَا فِي السَّنَتَيْنِ المَاضِيَتَيْنِ. لَنْ أُسَافِرَ لَمْ أُسَافِرَ لِكَي أُسَافِرَ
- ٣- أُرِيدُ إِلَى سَوَاقِ الحَقَائِبِ. أَنْ أُذْهَبَ لَمْ أُذْهَبَ إِنْ أُذْهَبَ
- ٤- هُوَ إِلَى المَلْعَبِ غَدًا. لَنْ يَرْجِعَ مَا رَجَعَ لَمْ يَرْجِعَ
- ٥- مَنْ يَنْجَحُ فِي أَعْمَالِهِ. لَا يَجْتَهِدُ لَا يَجْتَهِدُ يَجْتَهِدُ



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيَّنِ النَّبِيَّ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْخَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

- ۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. (الإمام الكاظم عليه السلام)
- ۲- أَعَالِمٌ بِمَا عَمِلَ كَالشَّجَرِ بِمَا قَسَمَ. رسول الله ﷺ
- ۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رسول الله ﷺ
- ۴- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (الإمام علي عليه السلام)
- ۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. (الإمام علي عليه السلام)
- ۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رسول الله ﷺ

- | | |
|--|--|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون در | تا زانکه تو جان شود پُر (شای کزایی) |
| ب) علم کز اعمال نشائش نیست | کالبدی دارد و جائش نیست «میر نسو و ملوی» |
| ج) اندازه نگه دار که اندازه نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست «صدی» |
| د) روزگار است آن که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد «قائم مقام فرغانی» |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروت با دشمنان مدارا «ماتق» |
| و) دشمن داناکه غم جان بود | بستر از آن دوست که نادان بود «شای کزایی» |



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيَّنِ النَّبِيَّ الْفَارِسِيَّ الَّذِي يَرْتَبِطُ بِالْخَدِيثِ فِي الْمَعْنَى.

- ۱- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. (الإمام الكاظم عليه السلام)
- ۲- أَعَالِمٌ بِمَا عَمِلَ كَالشَّجَرِ بِمَا قَسَمَ. رسول الله ﷺ
- ۳- أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِدَاءِ الْفَرَائِضِ. رسول الله ﷺ
- ۴- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. (الإمام علي عليه السلام)
- ۵- الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. (الإمام علي عليه السلام)
- ۶- خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. رسول الله ﷺ

- | | |
|--|--|
| الف) کم کوی و کزیده کوی چون در | تا زانکه تو جان شود پُر (شای کزایی) |
| ب) علم کز اعمال نشائش نیست | کالبدی دارد و جائش نیست «میر نسو و ملوی» |
| ج) اندازه نگه دار که اندازه نکوست | هم لایق دشمن است و هم لایق دوست «صدی» |
| د) روزگار است آن که عزت دهد که خوار دارد | چرخ بازیگر ازین بازیچه بسیار دارد «قائم مقام فرغانی» |
| ه) آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است | با دوستان مروت با دشمنان مدارا «ماتق» |
| و) دشمن داناکه غم جان بود | بستر از آن دوست که نادان بود «شای کزایی» |

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَةٌ / الْإِنْجِلِيزِيَّةُ / الْحَضَارَةُ / فَخْرِيَّةٌ / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاصِرَةٌ / شَهَادَاتٍ)

- ١- مَا زَأَيْتُ جِيرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.
- ٢- تَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ.
- ٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثِقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَّابِ.
- ٤- كَانَتْ السُّومِرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.
- ٥- أَلدُّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ.
- ٦- إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْغَرِبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



التَّمْرِينُ السَّابِعُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

(أَنْقَرَةٌ / الْإِنْجِلِيزِيَّةُ / الْحَضَارَةُ / فَخْرِيَّةٌ / مُنْذُ / الْمُسْتَشْرِقُ / مُحَاصِرَةٌ / شَهَادَاتٍ)

- ١- مَا زَأَيْتُ جِيرَانِي يَوْمَ الْخَمِيسِ.
- ٢- تَتَعَلَّمُ اللُّغَةَ مِنَ الصَّفِّ السَّابِعِ.
- ٣- أَلْقَى الْأُسْتَاذُ ثِقَافِيَّةً أَمَامَ الطُّلَّابِ.
- ٤- كَانَتْ السُّومِرِيَّةُ فِي جَنُوبِ الْعِرَاقِ.
- ٥- أَلدُّكْتُورَاهُ مِنْ أَعْلَى التَّخْصُّصِ فِي الْجَامِعَاتِ.
- ٦- إِنَّ عَالِمٌ مِنَ الدُّوَلِ الْغَرِبِيَّةِ عَارِفٌ بِالثَّقَافَةِ الشَّرْقِيَّةِ.



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اَكْتُبْ عَنْ أَحَدِ هَؤُلَاءِ الْمُسْتَشْرِقِينَ الَّذِينَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْفَارْسِيَّةَ أَوْ الْعَرَبِيَّةَ.



هانري كوربين (هنري كوربين)
Henry Corbin



رينولد نيكلسون
Reynold Alleyne Nicholson



يوهان غوته
Johann
Wolfgang von Goethe



ولاديمير مينورسكي
Vladimir Minorski



توشي هيكو ايزوتسو
Toshihiko Izutsu



إدوارد براون
Edward Granville Browne

«يوهان غوته» هو أحد أشهر أدباء ألمانيا، والذي ترك إرثاً أدبياً وثقافياً عظيماً للكتابة العالمية.

«رينولد نيكلسون» هو مستشرق إنجليزي، خبير في التصوف والأدب الفارسي، ويُعتبر من أفضل المترجمين لأشعار جلال الدين الرومي.

«هنري كوربين» فيلسوف ومُستشرق فرنسي اهتم بدراسة الإسلام، أسس في فرنسا جسماً لتاريخ إيران.

«إدوارد براون» مستشرق إنجليزي نال شهرة واسعة في الدراسات الشرقية، وكان يعرف الفارسية والعربية جيداً.

«توشي هيكو ايزوتسو» أول من ترجم القرآن إلى اللغة اليابانية، وكان يعرف ثلاثين لغة منها الفارسية والعربية.

«فلاديمير مينورسكي» مستشرق روسي، أستاذ في دراسة الفارسية والكردية.

١- ترجمة ابن مثنى، از اهداف كتاب درسي نيست.

(للتمرين في المنزل) اكتب اسم كل صورة.



١- الشارع ٢- الجسر ٣- الغاية ٤- المشاطي



٥- المُسجَل ٦- الحاسوب ٧- الحقيقة ٨- البطارية



٩- القميص ١٠- المُستأن ١١- الشروال ١٢- العبادة



١٣- المِحْرار ١٤- الخبوب ١٥- الشراب ١٦- اللفظن



١٧- السفينة ١٨- الطائرة ١٩- الحافلة ٢٠- سيارة أجرة



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الزُّمَرُ: ٤٥١

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن

گفتن را به او آموخت.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ *

خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ الزُّمَرُ: ٤٥١

خدای بخشاینده، قرآن را آموزش داد، انسان را آفرید، سخن

گفتن را به او آموخت.

الدُّرُسُ السَّابِعُ

تأثيرُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ



المُفْرَدَاتُ الفَارِسيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ مُنْذُ العَصْرِ الجَاهِلِيّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى العَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الإِيرَانِيِّينَ فِي العِرَاقِ وَ اليَمَنِ، وَ كَانَتْ تِلْكَ المُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ البَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ العَرَبِ كَالْمِسْكِ وَ الدِّيَابِجِ. وَ اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيْرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي العَصْرِ العَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ حِينَ شَارَكَ الإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ العَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ أَمْثَالِ أَبِي مُسْلِمِ الخُرَّاسَانِيِّ وَ آلِ بَرْمَكٍ. وَ كَانَ لِابْنِ المُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلْبَلَةَ وَ دِمْتَةَ.

وَ لِلفِيْرُوْزِآبَادِيِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَامُوسِ يُضَمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ. وَ قَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ الفَارِسيَّةِ أبعادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَّفَ الدُّكْتُورُ التَّونُجِي كِتَابًا يُضَمُّ الكَلِمَاتِ الفَارِسيَّةِ المُعْرَبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمُ المُعْرَبَاتِ الفَارِسيَّةِ فِي اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ».

الدُّرُسُ السَّابِعُ

تأثيرُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ



المُفْرَدَاتُ الفَارِسيَّةُ دَخَلَتِ اللُّغَةَ العَرَبِيَّةَ مُنْذُ العَصْرِ الجَاهِلِيّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى العَرَبِيَّةِ أَلْفَاظٌ فَارِسيَّةٌ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَ دُخُولِ الإِيرَانِيِّينَ فِي العِرَاقِ وَ اليَمَنِ، وَ كَانَتْ تِلْكَ المُفْرَدَاتُ تَرْتَبِطُ بِبَعْضِ البَضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ العَرَبِ كَالْمِسْكِ وَ الدِّيَابِجِ. وَ اشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيْرَانِ إِلَى الدَّوْلَةِ الإِسْلَامِيَّةِ.

وَ فِي العَصْرِ العَبَّاسِيِّ اِزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الفَارِسيَّةِ. وَ كَانَ لِابْنِ المُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفَارِسيَّةِ إِلَى العَرَبِيَّةِ، مِثْلَ كَلْبَلَةَ وَ دِمْتَةَ. وَ لِلفِيْرُوْزِآبَادِيِّ مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَامُوسِ يُضَمُّ مُفْرَدَاتٍ كَثِيرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ.

وَ قَدْ بَيَّنَّ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ العَرَبِيَّةِ وَ الفَارِسيَّةِ أبعادَ هَذَا التَّأثيرِ فِي دِرَاسَاتِهِمْ، فَقَدْ أَلَّفَ الدُّكْتُورُ

أتونجي كتاباً يضمُّ الكلمات الفارسيَّة المُعَرَّبَة سَمَاهُ «مُعْجَمُ الْمُعَرَّبَاتِ الْفَارِسيَّةِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ».

أما الكلمات الفارسيَّة التي دخلت اللُّغة الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أوصائها وَأوزانها، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقاً لِألسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الحُرُوفَ الْفَارِسيَّةَ الَّتِي لَا توجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخارجِها؛ مِثْلُ:

بَرْدِيس ← فَرْدُوس، مِهْرگان ← مِهْرْجان، چادْرشَب ← شَرشَف و ...

وَ اسْتَقْبَلُوا مِنْها كَلِماتٍ أُخْرى، مِثْلُ «بِكَنْزُون» فِي آيَةِ «...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...» مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسيَّةِ.

عَلَيْنا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبادُلَ الْمُفْرَداتِ بَيْنَ اللُّغاتِ فِي العالَمِ أَمْرٌ طَبِيعيٌّ يَجْعَلُها غَنِيَّةً فِي الأُسْلُوبِ وَ التَّبَيانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِماتٍ دَخِيلَةٍ؛ كانَ تَأثيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأثيرِها بَعْدَ الْإِسْلامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهْورِ الْإِسْلامِ فَقَدْ اِزْدادَتْ الْمُفْرَداتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ اِنتِشارِ الْإِسْلامِ وَ الثَّقافَةِ الْإِسْلامِيَّةِ. وَ اسْتِخدامُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي العِلْمِ وَ الدِّينِ وَ الإِدارَةِ.

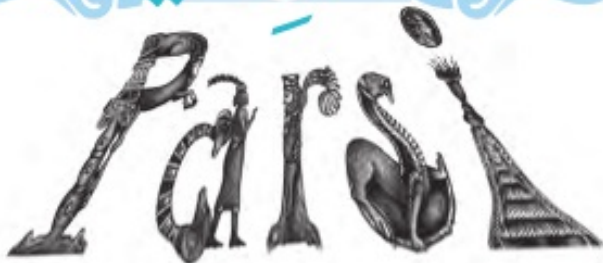
أما الكلمات الفارسيَّة التي دخلت اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أوصائها وَأوزانها، وَ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقاً لِألسِنَتِهِمْ، فَقَدْ بَدَّلُوا الحُرُوفَ الْفَارِسيَّةَ «ك، چ، پ، ز» الَّتِي لَا توجَدُ فِي لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِيبَةٍ مِنْ مَخارجِها؛ مِثْلُ:

بَرْدِيس ← فَرْدُوس، مِهْرگان ← مِهْرْجان، چادْرشَب ← شَرشَف و ...

وَ اسْتَقْبَلُوا مِنْها كَلِماتٍ أُخْرى، مِثْلُ «بِكَنْزُون» فِي آيَةِ «...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...» مِنْ كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسيَّةِ.

عَلَيْنا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبادُلَ الْمُفْرَداتِ بَيْنَ اللُّغاتِ فِي العالَمِ أَمْرٌ طَبِيعيٌّ يَجْعَلُها غَنِيَّةً فِي الأُسْلُوبِ وَ التَّبَيانِ، وَ لَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِماتٍ دَخِيلَةٍ؛ كانَ تَأثيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأثيرِها بَعْدَ الْإِسْلامِ، وَ أَمَّا بَعْدَ ظُهْورِ الْإِسْلامِ فَقَدْ اِزْدادَتْ الْمُفْرَداتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسيَّةِ بِسَبَبِ العامِلِ الدِّينِيِّ.

الْفَارِسيَّةُ



مُفْرَدَات : واژگان	تَغْيِير : دگرگون شدن	إِزْدَاد : افزایش یافت
مِسْك : مشک	(مضارع: يَتَغَيَّرُ)	(مضارع: يَزْدَادُ)
نَطَقَ : بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ)	دَخِيل : وارد شده	إِشْتَدَّ : شدت گرفت
نَقَلَ : منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ)	دِيبَاج : ابریشم	(مضارع: يَشْتَدُّ)
وَفَقَّأَ لِهـ : بر اساس	شِسَارَك : شرکت کرد	إِشْتَقَى : برگرفت (مضارع: يَشْتَقِي)
يَضُمُّ : در برمی گیرد (ماضی: ضَمَّ)	(مضارع: يُشَارِكُ)	إِنْضِمَام : پیوستن (إِنْضَمَّ، يَنْضُمُ)
	مُعْرَبٌ : عربی شده	يُبَيِّنُ : آشکار کرد (مضارع: يُبَيِّنُ)

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

١- لماذا ازدادت المفردات العربية في اللغة الفارسية بعد ظهور الإسلام؟

٢- من هو مؤلف «معجم المعربات الفارسية في اللغة العربية»؟

٣- متى دخلت المفردات الفارسية في اللغة العربية؟

٤- أي شيء يجعل اللغة غنية في الأسلوب و التبيان؟

٥- متى ازداد نفوذ اللغة الفارسية في اللغة العربية؟

٦- ما هو الأصل الفارسي لكلمة «كنز»؟

أَلْمُعْجَم

افزایش یافت	شَارَك	شرکت کرد (مضارع: يُشَارِكُ)
(مضارع: يَزْدَادُ)	مُعْرَبٌ	عربی شده
شدت گرفت	مُفْرَدَات	واژگان
(مضارع: يَشْتَدُّ)	مِسْك	مشک
برگرفت (مضارع: يَشْتَقِي)	نَطَقَ	بر زبان آورد (مضارع: يَنْطِقُ)
پیوستن (إِنْضَمَّ، يَنْضُمُ)	نَقَلَ	منتقل کرد (مضارع: يَنْقُلُ)
آشکار کرد (مضارع: يُبَيِّنُ)	وَفَقَّأَ لِهـ	بر اساس
دگرگون شد	يَضُمُّ	در برمی گیرد (ماضی: ضَمَّ)
(مضارع: يَتَغَيَّرُ)	دِيبَاج	ابریشم
وارد شده		

أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِينًا بِالنَّصِّ.

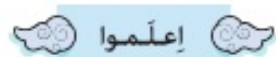
١- من هو مؤلف «معجم المعربات الفارسية في اللغة العربية»؟

٢- متى دخلت المفردات الفارسية في اللغة العربية؟

٣- أي شيء يجعل اللغة غنية في الأسلوب و التبيان؟

٤- متى ازداد نفوذ اللغة الفارسية في اللغة العربية؟

٥- ما هو الأصل الفارسي لكلمة «كنز»؟



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»: مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»: مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الأعراب: ۲۴

بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- کَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»: مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- کَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»: مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِيعًا» و

«كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم.

كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع كَانَّ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ **صَارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»

است؛ مثال:

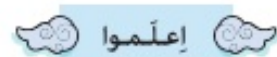
﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾ الحج: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَطَفَ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۱- المَطْفَرَةُ: سرسبز ۲- نَطَفَ: تمیز کرد



مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ

■ فعل‌های پرکاربرد «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» افعال ناقصه نام دارند.

■ **كان** چند معنا دارد:

۱- به معنای «بود»: مثال: كَانَ الْبَابُ مُغْلَقًا. در بسته بود.

۲- به معنای «است»: مثال: ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الأعراب: ۲۴

بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

۳- کَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»: مثال: كانوا يَسْمَعُونَ: می‌شنیدند.

۴- کَانَ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»: مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِيعًا» و

«كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به این معناست: «دانش‌آموز شنیده بود».

۵- «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» است؛ مثال:

كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم.

كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.

مضارع كَانَّ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.

■ **صَارَ و أَصْبَحَ** به معنای «شد» هستند. مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ»

است؛ مثال:

﴿... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً﴾ الحج: ۶۳

از آسمان آبی را فرو فرستاد و زمین سرسبز می‌شود.

نَطَفَ الطُّلَابُ مَدْرَسَتَهُمْ، فَصَارَتِ الْمَدْرَسَةُ نَظِيفَةً.

دانش‌آموزان مدرسه‌شان را تمیز کردند و مدرسه تمیز شد.

۱- المَطْفَرَةُ: سرسبز ۲- نَطَفَ: تمیز کرد

■ **لَيْسَ** یعنی «نیست»: مثال:

«...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» آل عمران: ١٦٧

با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کند دانایتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

١ «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» مريم: ٥٥

٢ «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» الإسراء: ٣٤

٣ «... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» الفتح: ١١

٤ «... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ» الأنعام: ٥٣

٥ «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ» يوسف: ٧

٦ «وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِإِنْعَمَتِهِ إِخْوَانًا» آل عمران: ١٠٣

١- اَوْفُوا: وفا كنيد ٢- آيات: نشانه‌ها ٣- اَلَّفَ: هم‌دل كرد، به هم پیوست

■ **لَيْسَ** یعنی «نیست»: مثال:

«...يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» آل عمران: ١٦٧

با دهان هایشان چیزی را می‌گویند که در دل هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌کند دانایتر است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْآيَاتِ.

١ «وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ» مريم: ٥٥

٢ «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» الإسراء: ٣٤

٣ «... يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» الفتح: ١١

٤ «... أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ» الأنعام: ٥٣

٥ «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ» يوسف: ٧

٦ «وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ

بِإِنْعَمَتِهِ إِخْوَانًا» آل عمران: ١٠٣

١- اَوْفُوا: وفا كنيد ٢- آيات: نشانه‌ها ٣- اَلَّفَ: هم‌دل كرد، به هم پیوست

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز
(مَعَ الطَّيِّبِ)

أَلْقَرِيضُ	الطَّيِّبُ
أَشْعُرُ بِأَلَمٍ فِي صَدْرِي، وَ عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا بِكَ؟
مَا عِنْدِي صَغَطُ الدَّمِّ وَ لَا مَرَضُ السُّكَّرِ.	أَصْغَطُ الدَّمِّ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟
بَعْدَ الفَحْصِ يَقُولُ الطَّيِّبُ:	
مَاذَا تَكْتُئِبُ لِي، يَا حَضْرَةَ الطَّيِّبِ؟	أَنْتَ مُصَابٌ بِرُكَامٍ، وَ عِنْدَكَ حُمَّى شَدِيدَةٌ. أَكْتُئِبُ لَكَ وَصْفَةٌ.
مِنْ أَيْنَ اسْتَلِمْتَ الْأَدْوِيَةَ؟	أَكْتُئِبُ لَكَ الشَّرَابَ وَ الحُبُوبَ الْمُسَكَّنَةَ.
شُكْرًا جَزِيلًا.	اسْتَلِمْتُ الْأَدْوِيَةَ فِي الصِّدَالِيَّةِ الَّتِي فِي نِهَائَةِ مَمَرِ الْمُسْتَوْصِفِ.
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.	تَتَحَسَّنُ حَالُكَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	مَعَ السَّلَامَةِ.



١- الأَلَمُ: درد ٢- المُصَابُ: دچار ٣- الرُّكَامُ: سرماخوردگی شدید ٤- الحُمَّى: تب ٥- تَتَحَسَّنُ: خوب می‌شود

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جواز (فِي الْمَسْجِدِ)

حَسَنٌ	أَحْمَدُ
هَذَا أَذَانُ الظُّهْرِ، أَنَا ذَاهِبٌ إِلَى الْمَسْجِدِ لِأُصَلِّيَ.	لِمَاذَا تُسْرِعُ؟
تَعَالَ! لِنَتَوَضَّأُ، ثُمَّ نَذْهَبُ مَعًا.	إِنْتَظِرْ، أَنَا ذَاهِبٌ مَعَكَ.
تَعَالَ نَذْهَبْ، أَنَا قَادِمٌ.	أَسْرِعْ، الْإِمَامُ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ.



١- لِأُصَلِّيَ: برای اینکه نماز بخوانم ٢- إِنْتَظِرْ: منتظر باش ٣- تَعَالَ: بیا
٤- لِنَتَوَضَّأُ: تا وضو بگیریم ٥- أَسْرِعْ: عجله کن

التمرین

التمرین الأول: عین الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة. ✓ x

- ١- المِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِرْلَانِ.
- ٢- الْأَشْرَشَفُ قِطْعَةٌ فُماشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.
- ٣- الْأَعْرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.
- ٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.
- ٥- أَلْفُ الدُّكْتُورِ اتُونَجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التمرین الثاني: عین العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية.

- ١- تجري الرياح بما لا تشتهي السفن. الف. هر چه پیش آید خوش آید.
- ٢- التباعد عن العين، بعيد عن القلب. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.
- ٣- اكلتم تمري و عصيتم امري. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- ٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.
- ٥- الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل بـــرود هـــر آنکه از ديسده رود.
- ٦- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. و بَرَدَ كَشْتِي أَنْجَا كِه خَوَاهْد خدای وگر جامه بر تن دَرَد ناخدای

١- تشتهي: می خواهد، میل دارد

التمرین

التمرین الأول: عین الجملة الصحيحة و غير الصحيحة حسب الحقيقة. ✓ x

- ١- المِسْكُ عِطْرٌ يُتَّخَذُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْغِرْلَانِ.
- ٢- الْأَشْرَشَفُ قِطْعَةٌ فُماشٍ تَوْضَعُ عَلَى السَّرِيرِ.
- ٣- الْأَعْرَبُ يَنْطِقُونَ الْكَلِمَاتِ الدَّخِيلَةَ طَبَقَ أَصْلِهَا.
- ٤- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتُ الْأُصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.
- ٥- أَلْفُ الدُّكْتُورِ اتُونَجِي كِتَاباً يَضُمُّ الْكَلِمَاتِ التُّرْكِيَّةَ الْمُعَرَّبَةَ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

التمرین الثاني: عین العبارة الفارسية المناسبة للعبارة العربية.

- ١- تجري الرياح بما لا تشتهي السفن. الف. هر چه پیش آید خوش آید.
- ٢- التباعد عن العين، بعيد عن القلب. ب. کم گوی و گزیده گوی چون دُر.
- ٣- اكلتم تمري و عصيتم امري. ج. گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی.
- ٤- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ. د. نمک خورد و نمکدان شکست.
- ٥- الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ه. از دل بـــرود هـــر آنکه از ديسده رود.
- ٦- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. و بَرَدَ كَشْتِي أَنْجَا كِه خَوَاهْد خدای وگر جامه بر تن دَرَد ناخدای

١- تشتهي: می خواهد، میل دارد

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ الثَّانِيَةَ.

- ١- لا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ. ٧- أَكْتُبْ بِحَطِّ وَاضِحٍ.
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ. ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئاً. ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ. ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ.
- ٥- يَكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ. ١١- أَخَذْتُ كِتَاباً رَأَيْتُهُ.
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.

التمرين الرابع: إِحِثِّ عَنِ الْأَسْمَاءِ الثَّانِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغة، اسم المكان، اسم التفضيل)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً﴾ لوط: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ...﴾ الرُّحَمَى: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. (الإمام علي عليه السلام)
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْخُلُقِ الْحَسَنُ. (الإمام الحسن عليه السلام)
- ٦- يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دَعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

التمرين الثالث: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ الثَّانِيَةَ.

- ١- لا تَكْتُبْ عَلَى الشَّجَرِ. ٧- أَكْتُبْ بِحَطِّ وَاضِحٍ.
- ٢- كَانُوا يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ. ٨- سَأَكْتُبُ لَكَ الْإِجَابَةَ.
- ٣- لَمْ يَكْتُبْ فِيهِ شَيْئاً. ٩- لَنْ أَكْتُبَ جُمْلَةً.
- ٤- مَنْ يَكْتُبُ يَنْجَحُ. ١٠- قَدْ كُتِبَ عَلَى اللُّوحِ.
- ٥- يَكْتُبُ مِثْلَ عَلَى الْجِدَارِ. ١١- أَخَذْتُ كِتَاباً رَأَيْتُهُ.
- ٦- كُنْتُ أَكْتُبُ إِجَابَاتِي.

التمرين الرابع: إِحِثِّ عَنِ الْأَسْمَاءِ الثَّانِيَةِ فِي الْجُمْلِ.

(اسم الفاعل، اسم المفعول، اسم المبالغة، اسم المكان، اسم التفضيل)

- ١- ﴿... يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ...﴾ طه: ١٢٨
- ٢- ﴿... اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً﴾ لوط: ١٠
- ٣- ﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِمَاهُمْ...﴾ الرُّحَمَى: ٤١
- ٤- إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ. (الإمام علي عليه السلام)
- ٥- إِنَّ أَحْسَنَ الْخُلُقِ الْحَسَنُ. (الإمام الحسن عليه السلام)
- ٦- يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ. مِنْ دَعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

الْتَمْرِينِ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ» هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بی‌رسم که به آن علم ندارم.

ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الِاسْمِ التَّكْرِيءِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۲- «...وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» النساء: ۳۳

الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الِاسْمِ التَّكْرِيءِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۳- «...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» البنا: ۴۰

روزی که ...

الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.

ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكَرَةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا تَشْطِيطِينَ.

الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.

ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورِ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ:

الْتَمْرِينِ الْخَامِسُ: عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ، وَ عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ.

۱- «قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ» هود: ٤٧

گفت: پروردگارا، من به تو ...

الف) ... پناه بردم که از تو چیزی بی‌رسم که به آن علم ندارم.

ب) ... پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که به آن دانشی ندارم.

الِاسْمِ التَّكْرِيءِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۲- «...وَأَسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» النساء: ۳۳

الف) و از خدا بخشش او را بخواهید؛ زیرا خدا به هر چیزی داناست.

ب) و از فضل خدا سؤال کردند، قطعاً خدا به همه چیزها آگاه بود.

الِاسْمِ التَّكْرِيءِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۳- «...يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» البنا: ۴۰

روزی که ...

الف) ... آدمی آنچه را [با] دستانش پیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: کاش من خاک بودم.

ب) ... مرد آنچه را [با] دستش تقدیم کرده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: من همانند خاک شدم.

الْفِعْلِ الْمُضَارِعِ، وَ الْفِعْلِ النَّاقِضِ:

۵- کُنْتُ سَاكِئًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- (الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.
- (ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَالْجَائِزُ وَالْمَجْرُورُ:

لِلْمُطَالَعَةِ

الْمُعْرَبَاتُ الْفَارِسِيَّةُ

ایریشم: ایریشم / ایریق: ایریز / أرجوانی: ارغوانی / استاذ: استاد / استبرق: سبزرگ / أسطوانة: آسوانه / بابونج: بابونه / بخشیش: بخشیش (بالفارسیّة: انعام) // بابوج (توع من الجذاه) ← پاپوش / باذنجان: باتنگان (بالفارسیّة: بادمجان) // تربط: (بر بالفارسیّة: سینه + بت: بالفارسیّة: اردک) من آلات الموسيقى / بزرخ ← بزر آخو (العالم الأعلى: جهان بالا) // برنامج: برنامه / پرواز ← پرواز: قاب / برید ← بریده دم: پُست / بُستان: بوستان / بغداد: بَغ + داد (خداداد) // بوسه ← بوسه / بهلوان ← بهلوان (بالفارسیّة: نندباز) // بس: بَطْ: بت (بالفارسیّة: اردک) // بلور: بَلُور / بتفصح: بتفشه / تاریخ: تاریخ / تاج گذاری ← تاج: تَحْت: تخت / ترجمان (ترجمه) ← تَرْجَمَان / تنور: تنور / توت: توت / جاموس: گاو میش / جزر: جَزْر / حص: حصّ / جلاب: گلاب / جَلَاب / جَلنار: جَلنار / جَناح: جناح / جُندي: گندی / جوراب: کورپا (کوراپ) // جوز: جوز (بالفارسیّة: گردو) // جوشن ← جوشن: زره / جوهرة: گوهر /

۴- كَانَ الْأَطْفَالُ يَلْعَبُونَ بِالْكُرَةِ عَلَى الشَّاطِئِ وَ بَعْدَ اللَّعِبِ صَارُوا نَشِيطِينَ.

- (الف) کودکان در کنار ساحل با توپ بازی می‌کردند و پس از بازی با نشاط شدند.
- (ب) بچه‌ها در کنار ساحل توپ بازی کردند و بعد از بازی پر نشاط، خوشحال هستند.

الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ الْجَرِّ، وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ:



۵- كُنْتُ سَاكِئًا وَ مَا قُلْتُ كَلِمَةً، لِأَنِّي كُنْتُ لَا أَعْرِفُ شَيْئًا عَنِ الْمَوْضُوعِ.

- (الف) ساکت شدم و کلمه‌ای نمی‌گویم؛ برای اینکه چیزی از موضوع نمی‌دانم.
- (ب) ساکت بودم و کلمه‌ای نگفتم؛ زیرا چیزی درباره‌ی موضوع نمی‌دانستم.

الْمَفْعُولُ، وَالْجَائِزُ وَالْمَجْرُورُ:

جزیاء: هوزبان (هور: خور «خورشید»)/ خانه: خانه (ثبوت في لغة السطرنج)/ خندق: کندک/ دجلة: تیکره (تند و تیز)/ ذرویش: درویش/ دستور: قانون/ دیباج: دیا/ دین: دین/ رازیاج: رازیانه/ رزقی: روچیک، روزیک «روزی»/ روزنامه: روزنامه (بالفارسیة: تقویم)/ زوزنة: روزنه/ زهناج: راهنامه (دلیل للسفرات البحرية)/ ززکش: ززکش (نسخ القماش بخيوط من الذهب: تارهای زر به پارچه کشید)/ زمان: زمان/ زهیر: بسیار سرد/ زنبیل: زن: امرأة + بال: يد = علی يد المرأة/ زنجار: زنگار/ سادج: ساده «سداجة: سادگی»/ ساعة: سایه/ سبجل: سنگ کیل/ سخط: سخت (الغضب الكثير)/ سراج: چراغ/ سرادق: سرابده/ سرحس: سرحس/ سرداب: سرداب (زیر زمین: بناء تحت الأرض)/ سرمد: سرآمد (بی آغاز و پایان: ما لا أول له و لا آخر)/ سزوال: شلوار/ سگر: سگنجین: سرکه انگبین/ سلجم: شلجم/ سنجاب: سنجاب/ سوسن: سوسن/ شاشة: صفحه تلویزیون/ شیشه: شاهین (صقر): شاهین/ شوندر: شوندر/ شهدانج: شاهدانه/ شیء: شیء/ چیز/ ضئق: دست زد/ چپک/ صلیب: چلیبا/ صنج: چنگ، سنج/ طازج: تازه/ طست: تشت/ عبقری: آبکاری/ عفریت: آفرید/ فزجار، بزکار: بزکار/ فستق: پسته/ فليل: لیل/ فولاد: فولاد/ فیروز: فیروز/ فیروزج: فیروزه/ فیل: پیل/ کاس: کاسه/ کافور: کاپور/ گهزیا: کاهزیا/ گنز: گنج/ لجام: لجام/ مخراب: مخراب/ مشک: مشک/ میراب: میراب/ ناودان: گمیز+آب/ نازنج: نار رنگ: نارنج/ نسرین: نسرین/ نسط: نسط/ نمارق: بالشها (جمع نرمک)/ نمودج: نمونه/ وزد: ورد/ وزیر: ویجیر/ هندسة: اندازه

در امتحانات از بخش معرّبات فارسی هیچ سوالی طرح نمی‌شود.

أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

■ اَكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَلْبَحْثُ الْعِلْمِيَّ

أَكْتُبْ عِشْرِينَ كَلِمَةً مُعَرَّبَةً أَصْلُهَا فَارِسِيٌّ مِنْ أَحَدِ هَذِهِ الْكُتُبِ.



أَيْهَا الْأَجْنَاءُ نَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ، إِلَى الْإِقَاءِ،
سَتَلْتَقِي^١ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصُّفِّ^٢
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النُّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.

أَيْهَا الْأَجْنَاءُ نَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهَ، إِلَى الْإِقَاءِ،
سَتَلْتَقِي^١ بِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فِي الصُّفِّ^٢
الثَّانِي عَشَرَ،
نَتَمَنَّى^٣ لَكُمْ النُّجَاحَ، مَعَ السَّلَامَةِ،
فِي أَمَانِ اللَّهِ.



١- نَسْتَوْدِعُ: مِ سِ يَارِمْ ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِ كِتِيم ٣- نَتَمَنَّى: أَرَزُو مِ كِتِيم



١- نَسْتَوْدِعُ: مِ سِ يَارِمْ ٢- نَلْتَقِي: دِيدَار مِ كِتِيم ٣- نَتَمَنَّى: أَرَزُو مِ كِتِيم

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۷	آینه آقایی نعمتی	شهر تهران
۲	مهدي شفايي	آذربایجان شرقی	۲۸	علی یازرلو	گلستان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۹	مسطفی احمدپناه	سمنان
۴	یوسف فاضل	گلستان	۳۰	محمد داوری‌نهی	خراسان شمالی
۵	زهرا آذری	کردستان	۳۱	محمد مهدی سرپلند	خراسان رضوی
۶	یعقوبعلی اقلایی پور	آذربایجان شرقی	۳۲	علیرضا صیاد	خراسان شمالی
۷	طه‌مورت سلیمانی	کردستان	۳۳	شهبلا اسماعیلیان	اصفهان
۸	شکوفه کمانی	مرکزی	۳۴	حسن علی شریف‌نادر	سمنان
۹	فاطمه راستی	کرمانشاه	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۰	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۱	زهرا سالک‌نژاد	فارس	۳۷	اکبر میرکی‌پور	هرمزگان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۸	حسین منصور	اصفهان
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۹	فاطمه طامری	قم
۱۴	سمیره داراغانی	ایلام	۴۰	پانته‌آ امیریان‌نایی	شهر تهران
۱۵	آذر صدقی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۴۱	عبدالله اخلاسی	قزوین
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۱۷	فاطمه‌زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۳	هوشنگ جعفر دوست	گیلان
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۴	رسول خشر	سیستان و بلوچستان
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۰	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۷	محمد جدیدی	تهران
۲۲	سبین پروازیان	اصفهان	۴۸	غلامحسین کسرائی	تهران
۲۳	حکیمه ارام‌نشین	هرمزگان	۴۹	سیدمحمدحسن مددی‌الموسوی	مشهد
۲۴	لیلا اسدی‌رفی	آذربایجان غربی	۵۰	مهدي هستي	قم
۲۵	اسماعیل راستی	کرمان	۵۱	معصومه حسن‌زاده	تهران
۲۶	سید صبرالکین جید	مرکزی	۵۲	سیدفرهادزین اسماعیلی سوری	فارس

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن (۲) - کد ۱۱۱۲۰۶

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	حمید قلندریان	خراسان رضوی	۲۴	لیلا اسدی‌رفی	آذربایجان غربی
۲	مهدي شفايي	آذربایجان شرقی	۲۵	اسماعیل راستی	کرمان
۳	حکیمه حسن‌زاده جعفری	کرمان	۲۶	سید صدرالدین جنید	مرکزی
۴	یوسف فاضل	گلستان	۲۷	آینه آقایی نعمتی	شهر تهران
۵	زهرا آذری	کردستان	۲۸	علی یازرلو	گلستان
۶	یعقوبعلی اقلایی پور	آذربایجان شرقی	۲۹	مسطفی احمدپناه	سمنان
۷	طه‌مورت سلیمانی	کردستان	۳۰	محمد داوری‌نهی	خراسان شمالی
۸	شکوفه کمانی	مرکزی	۳۱	محمد مهدی سرپلند	خراسان رضوی
۹	فاطمه راستی	کرمانشاه	۳۲	علیرضا صیاد	خراسان شمالی
۱۰	زهرا علی‌آبادی	خراسان جنوبی	۳۳	شهبلا اسماعیلیان	اصفهان
۱۱	زهرا سالک‌نژاد	فارس	۳۴	حسن علی شریف‌نادر	سمنان
۱۲	طیبه احمدپور	خراسان جنوبی	۳۵	ابراهیم علی دوستی شهرکی	چهارمحال و بختیاری
۱۳	فریده ناطق خشنود	گیلان	۳۶	مهستی رایگان	لرستان
۱۴	سمیره داراغانی	ایلام	۳۷	اکبر میرکی‌پور	هرمزگان
۱۵	آذر صدقی طاقانکی	چهارمحال و بختیاری	۳۸	حسین منصور	اصفهان
۱۶	خسرو گروسی	کرمانشاه	۳۹	فاطمه طامری	قم
۱۷	فاطمه‌زهرا گندم‌کار	خراسان رضوی	۴۰	پانته‌آ امیریان‌نایی	شهر تهران
۱۸	مرجان کرد	خوزستان	۴۱	عبدالله اخلاسی	قزوین
۱۹	طیبه عباسی	فارس	۴۲	محمدتقی جهانی مهر	همدان
۲۰	سهیلا ملایی یگانه	زنجان	۴۳	هوشنگ جعفر دوست	گیلان
۲۱	معصومه ملکی	شهرستان‌های تهران	۴۴	رسول خشر	سیستان و بلوچستان
۲۲	سبین پروازیان	اصفهان	۴۵	اسکندر حسین‌زاده	شهر تهران
۲۳	حکیمه ایران‌نشین	هرمزگان	۴۶	سهیلا اکبری	کهگیلویه و بویراحمد